

سال پانزدهم
شماره ۳۶۱۷
دوشنبه
۱۷ جوزای ۱۴۰۰
۷ جون ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

صبح ۸

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

تایي؛
پروژه خیالی یا راه‌گشای
مشکلات اقتصادی؟



۸



غزنفار بانک
GHAZANFAR BANK

محصولات بانکداری اسلامی

- حساب جاری الودیعہ
- حساب مضاربت پس انداز
- حساب مضاربت میعادى

تمويل مالی اسلامی

- بيع مرابحه
- مشار که متناقصه
- ضمانت نامه ها و اعتبار نامه های اسلامی

ما را در شبکه های اجتماعی دنبال کنید
+93 (0) 202 101 111 | www.ghazanfarbank.com

پشت به صلح، رو به جنگ؛

طالبان دامنه خشونت‌ها را گسترش داده‌اند

۳

نقش حیاتی سازمان ملل متحد
در روند صلح افغانستان

۴

انتقاد وزارت صحت از همکاری نکردن مردم؛
«کشور در اوج فاجعه قرار دارد»



۷

میوند بانک Maiwandbank

تاریخ نشر اعلان ۱۷/۰۳/۱۴۰۰

اعلان داوطلبی

تاریخ انقضاء ۰۱/۰۴/۱۴۰۰

میوندبانک جایداد قباله شرعی نمبر (۳۷ بر ۱۴۹) مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۱۰ به مساحت یک هزار دوصد سی و هفت مترمربع زمین گذر چغدک شهر مزار شریف ملکیت خویش را بفروش می‌رساند. اشخاص، موسسات دولتی و غیردولتی که خواهان خرید جایداد فوق باشند درخواست‌های خویش را به ریاست میوندبانک واقع چهارراهی طره باز خان شهر نو - کابل بسپارند.

0093 703 0000 21

تعمیر فروشی

یک تعمیر تجارتي به مساحت {۳۱۶،۲۵ مترمربع} واقع مارکیت میوه {ناحیه ۴، کابل - افغانستان} به قیمت مناسب به فروش رسانیده می‌شود. ضرورت‌مندان و اشخاصی که خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون‌های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



پرواز های کابل استانبول و برعکس آن
هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت
190 USD

flyariana.com | Ariana Afghan Airlines | flyariana.official | +93 (0) 790 07 1333 | 1333

آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES





نگران عقب‌نشینی هستیم

در جریان دوونیم ماه گذشته، دست‌کم یازده ولسوالی به دست گروه طالبان افتاده است. دولت می‌گوید که تعداد از این شمار ولسوالی‌ها بیرون آمده و این کار بخشی از راهبرد جنگ در شرایط فعلی است. گروه طالبان اما مدعی است که بر ولسوالی‌های فوق از راه حملات تهاجمی، تسلط یافته است. تسلط گروه طالبان در جریان دوونیم ماه جنگ بر یازده ولسوالی، یک خبر بد برای مردم است. مهم این نیست که گروه طالبان از چه راهی و چگونه بر این ولسوالی‌ها تسلط یافته است، مهم این است که دولت فعلا در این ولسوالی‌ها حضور ندارد. برای مردمی که از رژیم سخت‌گیر و سرکوب‌گر گروه طالبان خاطره خوش نداشتند، تسلط این گروه بر این ولسوالی‌ها قطعاً یک خبر ناراحت‌کننده است.

از جانب دیگر، ولسوالی تنها یک ساختمان اداری یا چند پاسگاه پولیس نیست؛ ولسوالی تمثالی از یک دولت است که دارای قلمرو، ملت/مردم و حاکمیت است. با سقوط هر ولسوالی، بساط حاکمیت دولت مرکزی از آن برچیده و قلمروش محدودتر می‌شود و بخشی از ملت از آن جدا می‌افتد. در مقابل، گروه طالبان با تصرف هر ولسوالی، به یک دستاورد بزرگ می‌رسد؛ شعاع وجودی‌اش گسترش می‌یابد، به منابع مالی بیش‌تر دست می‌یابد، رعیت بیش‌تر گرد می‌آورد و در نتیجه مجال می‌یابد تا اراده سیاسی خود را اعمال کند و تقدیرات آینده بخشی از مردم را به دست بگیرد. برای گروه طالبان که قبلاً کوه‌به‌کوه و دره‌به‌دره در گریز و فرار بود، داشتن تسلط بر بخشی از جغرافیا و مردم و اعمال قدرت، یک دستاورد بزرگ است. این اتفاق به همان میزان برای دولت مرکزی که در پی استقرار و ثبات است، زیان‌بار و خطرناک است.

اگر به قضیه سقوط از نگاه عددی هم نگاه شود، سقوط یازده ولسوالی در جریان دوونیم ماه یک رقم درشت است. از نگاه تبلیغاتی، تسلط طالبان بر این شمار از ولسوالی‌ها، برای این گروه بسیار روحیه‌بخش است. در مقابل، روحیه مردم وفادار به دولت با مشاهده این اتفاقات به شدت می‌شکند؛ حتا اگر دولت به سقوط این ولسوالی‌ها اذعان هم نکند و خروج از ولسوالی‌های فوق را زیر نام تاکتیک جنگ خود تبلیغ کند.

دولت اگر خیال آن دارد که تنها از مراکز ولایت‌ها و همین‌طور ولسوالی‌های مهم دفاع کند، باید در سیاست عقب‌نشینی خود سخت‌گیر و دوراندیش باشد. روشن است که بعضی از ولسوالی‌ها برای دولت اهمیت حیاتی ندارد؛ اما خروج از این ولسوالی‌ها باید تابع یک برنامه منظم باشد. عقب‌نشینی تاکتیکی باید نفع دولت در میدان جنگ و همین‌طور سود دولت در گستره سیاست و جایگاه آن در افکار عمومی را ضمانت کند. این کار باید با مهارتی انجام شود که گروه طالبان نتواند از آن در جنگ روانی و تبلیغاتی خود حداکثر استفاده را ببرد. متأسفانه اتفاقات دوونیم ماه گذشته زیاد به نفع دولت تفسیر نمی‌شود و این گروه طالبان است که بیش‌ترین سود را از این اتفاقات برده است.

گروه طالبان با تصرف هر ولسوالی از آن به عنوان یک «فتح بزرگ» یاد می‌کند. اثر روانی این تصرفات بر روحیه جنگ‌جویان این گروه آن است که خود را در موضع «پیروزی» و «فتح» ببینند. برای یک گروه شورشی، دست‌یافتن به چنین روحیه‌ای، یک غنیمت است؛ در حالی که این روحیه برای دولت در حال جنگ با آن، یک تهدید جدی است. از این رو، بهتر است تصمیمات نظامی دولت در جنگ با گروه طالبان به شکلی اتخاذ شود که پیامدهای منفی آن بسیار کم باشد و گروه طالبان نتواند از آن سود تبلیغاتی ببرد.

دولت باید برنامه عقب‌نشینی خود را با مردم شریک سازد. اصطلاح «عقب‌نشینی تاکتیکی» برای مردم در حالی که یک اصطلاح آشنا است، مبهم نیز است. مردم به درستی نمی‌دانند که دولت در ازای این عقب‌نشینی، چه چیزی را به دست می‌آورد و سود نهایی از این کار چیست. آن‌ها وقتی به دست‌کم یازده مورد عقب‌نشینی در جریان دوونیم ماه گذشته نگاه می‌کنند، واقعا در شوک فرو می‌روند. ترس مردم آن است که نکنند پشت این کار معامله‌ای و یا دسیسه‌ای نهفته باشد؛ زیرا توقع آن است که دولت در تقلاي استقرار و بقا، نباید به عقب‌نشینی در چنین ابعاد بزرگ دست بزند. بنابراین، مردم ضمن آن که نگران چنین سیاستی هستند، انتظار دارند که دولت درباره اتفاقات دست‌کم دوونیم ماه اخیر برای آن‌ها وضاحت بدهد. مردم برای آن‌که بتوانند تکلیف خود با آینده را روشن کنند، به چنین وضاحتی نیاز دارند.

سفارت آلمان: از ادامه خشونت‌ها علیه غیرنظامیان به ویژه جامعه هزاره بهت‌زده شدیم



در این حمله حدود ۱۰۰ دانش‌آموز دختر کشته شدند. به دنبال آن در پی انفجار در موترهای کاسترو و تونس مسافری در غرب کابل نیز هزاره‌ها هدف حمله قرار گرفتند. در این حملات حدود ۲۰ تن کشته شدند.

شماری از فعالان رسانه‌های اجتماعی روز شنبه با راه‌اندازی طوفان توییتری خواهان به رسمیت شناختن کشتار هزاره‌ها به عنوان «نسل‌کشی» شدند.

شام روز گذشته نیز رییس‌جمهور در نشست‌ی برنامه امنیتی و توسعه‌ای غرب کابل را مورد بحث قرار داد.

۸صبح، کابل: سفارت آلمان در کابل گفته است که از تداوم خشونت «ناموجه» علیه غیرنظامیان، به ویژه جامعه هزاره، بهت‌زده شده است.

این سفارت روز شنبه، شانزدهم جوزا، با نشر تویییتی با خانواده‌های قربانیان ابراز همدردی کرده است.

سفارت آلمان در کابل تأکید کرده است: «خشونت‌ها باید پایان یابد، افغان‌ها سزاوار صلح هستند».

اخیراً حملات علیه هزاره‌ها و شیعه‌ها در کابل افزایش یافته است.

در هژدهم ژوئیه مکتب سیدالشهدا در غرب کابل که دانش‌آموزان آن هزاره بودند، هدف حمله قرار گرفت.

اتمیز:

بدون همکاری پاکستان قطع خون‌ریزی و پیش‌رفت در صلح ممکن نیست

مشاور امنیت ملی کشور، گفت که مشاور امنیت ملی از نام افغانستان روی مساله قطع خون‌ریزی و پیش‌رفت در صلح تأکید کرده و این دو مساله نگرانی مردم و دولت افغانستان است.

از دید آقای اتمر، حالت ایجاد شده در مناسبات بین‌المللی حالتی نیست که خاص برای افغانستان و پاکستان ایجاد شده باشد و وی از ایجاد این حالت متأسف است، اما حکومت افغانستان نمی‌گذارد این مساله مانع همکاری بین دو دولت شود.

این مقام ارشد دستگاه دیپلماسی کشور پافشاری کرد که آماده‌گی‌های لازم برای سفر رییس‌جمهور غنی به ایالات متحده امریکا روی دست گرفته شده و وزارت‌های خارجه افغانستان و امریکا در این مورد کار می‌کنند.

به دنبال سخنرانی حمدالله محب، مشاور امنیت ملی افغانستان در ولایت ننگرهار، شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه پاکستان اعلام کرد که کشورش روابط دیپلماتیک خود را با مشاور امنیت ملی افغانستان قطع کرده است.

پیش از این نیز، ایالات متحده امریکا نیز به دلیل یک سخنرانی دیگر حمدالله محب، برای مدتی روابط خود را با این مقام ارشد حکومت افغانستان قطع کرد و در برخی نشست‌های مشترک مقام‌های افغانستان و امریکا، آقای محب حضور نداشت.



۸صبح، هرات: محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه کشور، می‌گوید که بدون همکاری پاکستان قطع خون‌ریزی و پیش‌رفت در صلح ممکن نیست. او روز یک‌شنبه، شانزدهم جوزا، در نشست خبری در هرات گفت دولت و مردم افغانستان به خوبی درک می‌کنند که بدون همکاری پاکستان، ممکن نیست در قطع خون‌ریزی و در صلح پیش‌رفت حاصل شود.

وی افزود: «همکاری با پاکستان برای دولت و مردم افغانستان حتمی است و بر این باور هستیم که در هر حالت گفت‌وگو و همکاری را باید با پاکستان حفظ کنیم». او هم‌چنان در مورد قطع روابط دیپلماتیک حکومت پاکستان و حمدالله محب،

ارتش آلمان ۶۵ هزار لیتر نوشیدنی‌های الکولی را با خود از افغانستان می‌برد

در آخرین مرحله خروج از افغانستان نباید نوشابه‌های الکولی را بنوشند. گفته شده است که این تصمیم به دلیل احتمال حمله در افغانستان روی دست گرفته شده است.

به همین ترتیب گزارش شده است که بر بنیاد دستور عملیاتی، سربازان آلمانی اجازه ندارند که نوشیدنی‌های الکولی را نظر به دلایل قانونی و دینی در افغانستان به فروش برسانند.

براساس آن‌چه اعلام شده است، نیروهای خارجی به شمول سربازان آلمانی تا یازدهم سپتامبر افغانستان را ترک خواهند کرد.

۸صبح، کابل: رسانه‌های آلمانی گزارش داده‌اند که ارتش آلمان در نظر دارد هزاران بوتل از نوشیدنی‌های الکولی را از افغانستان با خود ببرد. سربازان آلمانی به دلایل امنیتی از نوشیدن الکل در افغانستان منع شده‌اند.

دوچپه‌ویله به نقل از مجله آلمانی «شپینگل» گزارش کرده است که حدود ۲۰ هزار لیتر بیره، ۳۴۰ بوتل شراب، زکت (شراب گازدار) و انواع دیگر از نوشیدنی‌های الکولی قرار است از افغانستان به آلمان منتقل شود.

طبق این گزارش، آزرگار میبر، فرمانده نیروهای آلمانی دستور داده است که سربازان این کشور

قریشی به محب:

سخنانت در ننگرهار خون من و مردم پاکستان را به جوش آورده است

۸صبح، کابل: شاه‌محمود قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان، به سخنان حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور، واکنش تند نشان داده و تأیید کرده که پاکستان تماس‌های رسمی خود با وی را قطع کرده است.

قریشی روز شنبه، پانزدهم جوزا، از سخنان محب درباره پاکستان به تندی انتقاد کرد و از او خواست که سخنانش را اصلاح کند. این مقام پاکستانی افزود: «از زمان سخنرانی شما در ننگرهار، خون من و تمام مردم پاکستان از شدت عصبانیت در حال جوشیدن است و شما باید شرم‌زده باشید و در قبال سخنان‌تان مقصر هستید».

قریشی در نشست‌ی در ملتان گفته است که پاکستان تنها به فکر صلح و ثبات در منطقه است و در جریان سال‌های متمادی هزینه‌های سنگین مالی و جانی از جانب تروریستان را متحمل شده است.



او تصریح کرد: «می‌خواهم مشاور امنیت ملی به من گوش دهد. من به عنوان وزیر خارجه پاکستان صحبت می‌کنم که اگر شما به این سخنان و اتهامات علیه پاکستان ادامه دهید، مردم پاکستان دیگر به شما احترام نخواهند گذاشت و دست دوستی نخواهند داد».

وزیر خارجه پاکستان در ادامه گفت که امیدوار است حمدالله محب رفتار خود را اصلاح و در گفتار خود تأمل کند. او افزود: «من با جامعه جهانی مطرح می‌کنم که این فرد به عنوان مشاور شورای امنیت ملی افغانستان، در واقع یک عنصر تباه‌کننده صلح در افغانستان است».

وزیر امور خارجه پاکستان از مردم افغانستان که آرزوی صلح دارند، خواسته است که با محب صحبت کنند تا رفتارشان اصلاح شود.

حمدالله محب در بیست‌وسوم ژوئیه در سخنانی در ننگرهار گفته بود که پاکستان با استفاده از یک «گروه قدرت‌طلب» در صد گسترش مرزهای خود در داخل افغانستان است.

محب در جمعی در ننگرهار با لحن تند علیه پاکستان سخنرانی کرد. او در این سخنرانی حتا گفت که دو دیپلمات این کشور ۱۱ دالر را از کوریای جنوبی دزدیده‌اند. مشاور امنیت ملی تصریح کرد: «در دفتری که کار می‌کنم، هرگونه اطلاعات می‌آید. با نظامیان و دیپلماتان دیدار می‌کنم، وضعیت بسیار واضح است. همسایه می‌خواهد که تاریخ را تکرار کند. سرحدات خود را گسترش دهد. ۱۸۰ سال پیش شاه شجاع معامله کرد و پیشاور را از ما گرفت».

پس از این اظهارات محب، گزارش شد که پاکستان روابط خود با او را قطع کرده است. محب اما گفت که هیچ پیام رسمی در این مورد از سوی پاکستان دریافت نکرده است و انتظار رفتار غیردیپلماتیک از سوی این کشور را نیز ندارد.

محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه کشور، در هرات در مورد قطع روابط دیپلماتیک حکومت پاکستان با حمدالله محب گفت که مشاور امنیت ملی از نام افغانستان روی مساله قطع خون‌ریزی و پیش‌رفت در صلح تأکید کرده و این دو مساله نگرانی مردم و دولت افغانستان است.

از دید آقای اتمر، حالت ایجاد شده در مناسبات بین‌المللی حالتی نیست که خاص برای افغانستان و پاکستان ایجاد شده باشد و وی از ایجاد این حالت متأسف است، اما حکومت افغانستان نمی‌گذارد این مساله مانع همکاری بین دو دولت شود.

طالبان دامنه خشونت‌ها را گسترش داده‌اند



حسب بهی

در کنار این ۱۱ ولسوالی، طالبان ادعا می‌کنند که بر ولسوالی جوند در بادغیس، واشیر در هلمند و فارسی در هرات نیز تسلط یافته‌اند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان نیز گسترش دامنه جنگ در کشور را تأیید می‌کند و می‌گوید که برخی از ولسوالی‌ها به دست این گروه سقوط کرده است. به گفته او، در جریان یک ماه اخیر که در واقع پس از یکم ماه می را شامل می‌شود، حدود ۱۴ ولسوالی به تصرف این گروه در آمده است. ذبیح‌الله مجاهد ادعای سقوط ولسوالی‌های جوند بادغیس، دهنه غوری بغلان، فارسی هرات و واشیر هلمند را نیز مطرح می‌کند. به گفته او، در برخی از موارد نیروهای امنیتی از مقاومت دست کشیده‌اند و این مورد یکی از دلایل تسلط طالبان بر این ولسوالی‌ها بوده است.

گفتنی است که در این جریان شماری از فرماندهان پولیس ولسوالی‌ها نیز در نبرد با طالبان کشته شده‌اند. روز یکشنبه، شانزدهم جوزا در پی حمله طالبان بر ساختمان ولسوالی قیصار، فرمانده پولیس این ولسوالی کشته شد. در حمله پانزدهم جوزا بر ولسوالی‌های برکه و جلگه، گلبدین غفوری، فرمانده پولیس برکه و لطف‌الله حق‌بین، فرمانده پولیس جلگه کشته شدند. منابع محلی هرات نیز در چهاردهم جوزا تأیید کردند که سیدشفیق، فرمانده پولیس ولسوالی فارسی هرات در نتیجه حمله طالبان کشته شده است. عبدالظاهر ائل، فرمانده پولیس دولت‌شاه لغمان نیز در بیست‌وششم ثور پس از درگیری با طالبان کشته شد. در بیستم ثور، عبدالغفور، سرپرست فرماندهی پولیس ولسوالی گیروی غزنی نیز در پی انفجار ماین جان باخت. جمعه‌شاه، فرمانده پولیس ولسوالی سرروضه پکتیکا نیز در چهاردهم ثور در اثر انفجار ماین جان باخت. گفتنی است که موارد این چنینی در جریان سال ۱۴۰۰ نیز ثبت شده است.

نیروهای امنیتی به دلیل کاهش تلفات غیرنظامیان عقب‌نشینی تاکتیکی کرده‌اند

هم‌زمان با گسترش دامنه جنگ در کشور، سقوط برخی از ولسوالی‌ها و ادعای تصرف برخی دیگر از سوی طالبان، وزارت دفاع ملی به این موارد واکنش نشان می‌دهد. روح‌الله احمدزی، سخنگوی این وزارت روز یکشنبه، شانزدهم جوزا به روزنامه ۸صبح گفت که تاکتیک جنگ تفاوت دارد؛ زیرا به گفته او، «پس‌روی و پیش‌روی» امر طبیعی است و نیروهای امنیتی در برخی از نقاط برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان عقب‌نشینی تاکتیکی داشته‌اند. به گفته آقای احمدزی، این عقب‌نشینی به معنای سقوط نیست؛ زیرا گروه طالبان یک چنین توان را ندارد.

به گفته سخنگوی وزارت دفاع ملی، نیروهای امنیتی برای کاهش تلفات غیرنظامیان به تاکتیک‌هایی نیاز دارند که آن را انجام داده‌اند؛ اما بدین معنا نیست که این نیروهای دیگر به آن نقاط تسلط نمی‌یابند. او افزود که در «آینده‌های نزدیک» نیروهای امنیتی در مناطقی که عقب‌نشینی تاکتیکی کرده‌اند، حضور پرقدتر در مقایسه با گذشته خواهند داشت. روح‌الله احمدزی افزود که در ولسوالی‌های جوند، دهنه غوری، فارسی و واشیر نیز با استفاده از همین تاکتیک‌ها طالبان حضور دارند؛ اما وزارت دفاع برای آن در همکاری با سایر نهادها طرح‌های تاکتیکی - اوپراتیوی دارد و در آینده نزدیک با جابه‌جایی نیروهای امنیتی، وضعیت به حالت عادی برمی‌گردد. او اما افزود که بنا بر جاسازی ماین‌ها و جابه‌جایی طالبان در خانه‌های مردم، عملیات‌ها با کندی به پیش می‌رود.

پیش از این آگاهان نظامی از عقب‌نشینی نظامیان انتقاد کرده و گفته بودند که یک چنین کار بالای روحیه نیروهای امنیتی تأثیر منفی بر جا می‌گذارد. باید تصریح کرد که خشونت‌های طالبان پس از اول ماه می گسترش یافته است و در جریان این ماه حدود پنج هزار تن در جنگ افغانستان کشته شده‌اند. براساس توافق‌نامه دوحه، امریکا تعهد کرده بود که نیروهایش را تا ماه می از افغانستان خارج می‌کند؛ اما اداره بایدن این روند را برای حدود سه ماه به تأخیر انداخت. طالبان به این اقدام واکنش نشان دادند و تصریح کردند که عواقب این کار به دوش امریکا است. از یازدهم سپتامبر به عنوان زمان خروج نهایی نیروهای امریکایی نام برده می‌شود.

طالبان هم‌چنان در پانزدهم جوزا ادعا کردند که ولسوالی ده‌یک غزنی را سقوط داده‌اند. با این حال، مسوولان محلی در این ولایت گفتند که این ولسوالی هم‌چنان در کنترل حکومت است؛ اما براساس تقاضای مردم، مرکز ولسوالی به محل دیگری انتقال یافته است. به گفته منابع، حملات طالبان بالای این ولسوالی دفع شده است. ده‌یک در کنار مرکز غزنی و شرن، مرکز پکتیکا، با ولسوالی‌های زنه‌خان و اندر این ولایت، خرور لوگر و زرمت پکتیا و متاخن پکتیکا هم‌جوار است.

هم‌چنان در ارزگان، طالبان ادعا کردند که ولسوالی گیزاب این ولایت را تصرف کرده‌اند. در پانزدهم جوزا، منابع امنیتی به ۸صبح گفته بودند که اگر کمک به نیروهای امنیتی مستقر در این ولسوالی نرسد، ساختمان آن به گونه کامل به دست طالبان می‌افتد. به گفته منابع، در جریان حملات، ساختمان ولسوالی و فرماندهی پولیس از بین رفته است و نیروهای امنیتی به قرارگاه ارتش و پاسگاه‌های امنیتی دورتر عقب‌نشینی کرده‌اند. منابع تصریح کردند که طالبان با سلاح‌های لیزری مجهز اند؛ در حالی که نیروهای امنیتی این‌گونه امکانات ندارند. والی ارزگان اما گفت که درگیری‌ها به شدت ادامه دارد و نیروهای امنیتی روحیه بلند دارند. گیزاب که پیش‌تر بخشی از دایکندی بود، به دو ولسوالی تقسیم شد که گیزاب آن به ارزگان و پاتوی آن به دایکندی تعلق گرفت. بدین ترتیب این ولسوالی افزون بر پاتو، با برخی دیگری از نقاط دایکندی و ولسوالی‌های چوره و ارزگان خاص ولایت ارزگان هم‌مرز است.

روز یکشنبه، شانزدهم جوزا، منابع محلی در فاریاب گفتند که فرماندهی پولیس قیصار و ساختمان ولسوالی آن به دست طالبان افتاده است. در جریان درگیری‌ها بر سر این ولسوالی، ۱۵ تن به شمول فرمانده پولیس این ولسوالی کشته شدند. افزون بر این، ۳۷ سرباز دیگر نیز از سوی طالبان اسیر شدند. قیصار با ولسوالی‌های المار، پشتون‌کوت و کوهستان در فاریاب و غورماچ، جوند و بالامرغاب بادغیس هم‌مرز است. طالبان هم‌چنان روز یکشنبه، شانزدهم جوزا یک حمله موثر بمب را بر ولسوالی بلخ ولایت بلخ انجام دادند که در نتیجه آن، ساختمان ولسوالی تخریب شد و شماری نیز کشته و زخمی شدند.

در دوم حمل سال روان؛ طالبان ادعا کردند که در

حمله بر چرخ لوگر، این ولسوالی را تصرف کرده‌اند. وزارت دفاع

ملی و مسوولان محلی در لوگر اما در واکنش به این ادعا، گفتند که

بتا بر تقاضای باشندگان چرخ، مرکز آن ولسوالی را به محل

دیگری انتقال داده‌اند. چرخ لوگر از سال‌های بدین‌سو شاهد

درگیری‌های شدید بود و طالبان در آن به گونه گسترده‌ای رفت‌وآمد

دارند. این ولسوالی با پل علم، مرکز لوگر، ولسوالی‌های خرور و برهکی

برک لوگر و ولسوالی سیدآباد میدان‌وردک هم‌جوار است.

مقامات محلی میدان‌وردک نیز در بیست‌ویکم ثور اعلام کردند که ولسوالی نرخ این ولایت به دست طالبان افتاده است. عبدالرحمان طارق، والی این ولایت گفت که ولسوالی نرخ به دلیل سازش از سوی گروه طالبان تصرف شده است. این ولسوالی در جریان سال‌های اخیر شاهد حملات چشم‌گیر جنگ‌جویان گروه طالبان بود. نرخ میدان‌وردک با ولسوالی‌های جلریز، دایمیرداد، چک و سیدآباد این ولایت، پغمان و چهارآسیاب کابل و پل علم و محمدآغه لوگر هم‌جوار است. در سی‌ویکم ثور، طالبان ادعا کردند که جلریز میدان‌وردک را نیز تصرف کرده‌اند. پیش‌تر نیروهای امنیتی برای پاک‌سازی شاهراه کابل - بامیان، به این محل رفته بودند. این ولسوالی با مرکز میدان‌وردک و ولسوالی‌های حصه اول بهسود، دایمیرداد و نرخ این ولایت، سرخ پارسای پروان و پغمان کابل هم‌جوار است.

گروه طالبان در بیست‌ونهم ثور بر ساختمان ولسوالی دولت‌شاه لغمان تسلط پیدا کردند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه همان روز از تصرف این ولسوالی خبر داد. گلزار سنگروال، یک عضو شورای ولایتی این ولایت نیز گفت که مرکز ولسوالی دولت‌شاه به دست طالبان سقوط کرده است و نیروهای امنیتی بدون تلفات عقب‌نشینی کرده‌اند. او هم‌چنان همان زمان از درگیری‌ها در ولسوالی علی‌شینگ نیز خبر داده بود. دولت‌شاه لغمان با ولسوالی علی‌شینگ این ولایت، ولسوالی‌های نورگرام، دوآب و مندول نورستان، دره پنجشیر و نجراب و آله‌سای کاپیسا هم‌جوار است.

در چهاردهم جوزا، طالبان ادعا کردند که ولسوالی مندول نورستان را تصرف کرده‌اند. این ولسوالی با پارون، مرکز نورستان و ولسوالی دوآب این ولایت و ولسوالی‌های دره، پریان و حصه اول پنجشیر هم‌مرز است. با این حال مقامات محلی در این مورد موقف‌گیری نکردند. تنها یک روز پس از آن، طالبان بر دوآب نورستان که با دولت‌شاه هم‌جوار است، تسلط پیدا کردند. حملات جدی بر ساختمان این ولسوالی برای اولین‌بار در سوم جوزا کلید خورد؛ اما مقام‌های محلی در ادامه از دفع آن خبر دادند. دوآب افزون بر دولت‌شاه لغمان، با پارون، مرکز نورستان و ولسوالی‌های مندول و نورگرام این ولایت هم‌مرز است. بدین ترتیب طالبان در جریان دو روز بر این دو ولسوالی هم‌جوار تسلط یافتند. جنگ‌جویان این گروه پیش‌تر از همین طریق وارد خاک پنجشیر شده بودند.

منابع در پانزدهم جوزا تأیید کردند که ولسوالی شینکی زابل به دست گروه طالبان افتاده است. اسدالله کاکر، عضو شورای ولایتی این ولایت گفت که پس از عقب‌نشینی نیروهای امنیتی مستقر در ساختمان‌های ولسوالی و فرماندهی پولیس، تأسیسات آن به دست طالبان افتاده است و از سوی این گروه کنترل می‌شود. او گفت که نیروهای مستقر در آن‌جا به قرارگاه ارتش نقل مکان کرده‌اند. به گفته کاکر، درگیری‌های شدید میان دو طرف در این ولسوالی برای چند روز ادامه یافته بود. گل‌اسلام سیال، سخنگوی والی زابل اما به ۸صبح گفت که این ولسوالی در اختیار نیروهای امنیتی است. شینکی افزون بر هم‌جواری با قلات، مرکز زابل، با ولسوالی‌های ترنک و جلدک، شاه‌جوی، نوشهر، شمول‌زی و اتغر این ولایت و معروف و ارغستان قندهار هم‌مرز است. طالبان دو سال پیش بر ولسوالی شمول‌زی نیز حمله کرده بودند.

پس از آغاز ماه می، خشونت‌ها در کشور به شکل چشم‌گیری افزایش یافته است. براساس آمارها، در جریان ماه می و هفته اول ماه جون سال روان میلادی، مواردی از خشونت‌ها در همه ولایت‌های کشور ثبت شده است. حدود پنج هزار تن از طرف‌های درگیر و غیرنظامیان در جریان همین ماه کشته شده‌اند. طالبان می‌گویند که در جریان یک ماه اخیر (پس از آغاز ماه می) نزدیک به ۱۴ ولسوالی را در نقاط مختلف کشور تصرف کرده‌اند. در این میان بیش از ۱۰ پولیس در ولسوالی‌های مختلف نیز کشته شده‌اند. مقامات امنیتی اما می‌گویند که در این جریان به طالبان نیز تلفات «سنگین» وارد شده است. وزارت دفاع ملی تصریح می‌کند که نیروهای امنیتی به دلیل احتمال وارد شدن تلفات به غیرنظامیان، از شماری نقاط عقب‌نشینی تاکتیکی کرده‌اند. به گفته مسوولان در این نهاد، «پس‌روی» به معنای سقوط نیست؛ زیرا هم‌اکنون برنامه‌ها برای برگشت پرقدتر تر نیروهای امنیتی به آن نقاط روی دست گرفته شده است. وزارت دفاع ملی می‌گوید که به علت حضور طالبان در خانه‌های مردم و هم‌چنان جاگذاری ماین‌ها، عملیات نیروهای امنیتی با کندی به پیش می‌رود. گفتنی است که براساس توافق دوحه، امریکا گفته بود که نیروهایش را تا ماه می از افغانستان خارج می‌کند؛ اما این روند برای حدود سه ماه به تأخیر افتاد. طالبان در واکنش به این اقدام گفته بودند که نقض توافق‌نامه دوحه راه را برای هر اقدامی از سوی این گروه باز می‌کند.

طالبان به تصرف ولسوالی‌ها روی آورده‌اند

در دوم حمل سال روان، طالبان ادعا کردند که در حمله بر چرخ لوگر، این ولسوالی را تصرف کرده‌اند. وزارت دفاع ملی و مسوولان محلی در لوگر اما در واکنش به این ادعا، گفتند که بنا بر تقاضای باشندگان چرخ، مرکز آن ولسوالی را به محل دیگری انتقال داده‌اند. چرخ لوگر از سال‌های بدین‌سو شاهد درگیری‌های شدید بود و طالبان در آن به گونه گسترده‌ای رفت‌وآمد دارند. این ولسوالی با پل علم، مرکز لوگر، ولسوالی‌های خرور و برهکی برک لوگر و ولسوالی سیدآباد میدان‌وردک هم‌جوار است. پیش‌تر مسوولان محلی در این ولایت گفته بودند که سه ولسوالی چرخ، ازره و خرور به دست طالبان افتاده است و این گروه بر بیش‌تر نقاط این ولایت تسلط دارد.

در ادامه، گروه طالبان در چهاردهم ثور اعلام کرد که برکه بغلان را زیر کنترل خود درآورده است. پولیس بغلان فردای آن روز تصریح کرد که در پی حمله شب‌هنگام طالبان، نیروهای دولتی از مرکز این ولسوالی عقب‌نشینی کرده‌اند. به گفته مسوولان محلی، نیروهای امنیتی پس از عقب‌نشینی، در منطقه‌ای از این ولسوالی مستقر شده‌اند. برکه در ۸۵ کیلومتری مرکز بغلان قرار دارد و با ولسوالی‌های گذرگاه نور، جلگه، نهرین و بغلان جدید این ولایت هم‌جوار است. پس از سقوط برکه، ولسوال نهرین بغلان در هفتم جوزا هشدار داد که طالبان اکنون در اطراف این ولسوالی تجمع کرده‌اند و این ولسوالی در معرض سقوط قرار گرفته است. هرچند در ادامه طالبان ادعا دارند که ولسوالی دهنه غوری این ولایت را نیز تصرف کرده؛ اما نهادهای امنیتی هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند. پیش‌تر در این ولسوالی نیز درگیری‌های شدیدی ادامه داشت.

نقش حیاتی سازمان ملل متحد در روند صلح افغانستان



خدايار نايبزاده، روزنامه‌نگار

هیات جمهوری اسلامی افغانستان بنا بر درخواست جانب طالبان روز چهارشنبه، ۱۳ جوزا به دوحه قطر رفت تا گفت‌وگوهای صلح با طالبان را آغاز کند. طالبان بر تداوم گفت‌وگوها در دوحه تأکید دارند و هیچ تمایلی به برگزاری نشست استانبول ندارد.

این رویکرد طالبان دو علت می‌تواند داشته باشد: اول، قطر نمی‌خواهد نقش میانجی اصلی را در منازعه افغانستان از دست بدهد و در پی آن است که اگر قرار باشد گفت‌وگوهای صلح به نتیجه‌ای برسد، توافق آن باید در دوحه صورت گیرد. در این صورت، قطر به عنوان یک میانجی موفق در حل‌وفصل منازعات بین‌المللی شناخته خواهد شد و جایگاه ویژه‌ای در میان کشورهای منطقه خواهد یافت تا نشان دهد که سیاست خارجی‌اش برخلاف بازیگران دیگر، در قبال تحولات خاورمیانه صلح‌آمیز و مثبت است. از جانب

آن‌ها از این وضعیت سود ببرند. با تداوم این وضعیت، ضرری آن‌چنانی متوجه این گروه نمی‌شود و در میدان جنگ و میز مذاکره برنده خواهد بود.

شرایط و موقعیت هیات‌های افغانستان و طالبان
هیات طالبان را نباید از ظاهرشان قضاوت کرد، بلکه در پشت این گروه استخبارات پاکستان و متخصصان مطالعات صلح و حل‌وفصل منازعات قرار دارند که دستور کار می‌سجند و آن‌ها را آموزش و مشورت می‌دهند. به همین دلیل است که طالبان تاکنون در میز مذاکره نسبتاً خوب عمل کرده و گفت‌وگوها را زمان‌بر ساخته‌اند. بنابراین نباید طالبان را در میز مذاکره دست‌کم گرفت.

جانب افغانستان اما چنین نیست. هیات جمهوری اسلامی افغانستان در برابر گروهی قرار دارد که ۱۸ ماه مذاکره نفس‌گیر و موفق را با قدرت‌مندترین کشور دنیا انجام داده است؛ کشوری که مبدأ دانش دیپلماسی و پرورش‌دهنده مجرب‌ترین دیپلمات‌ها در عرصه بین‌المللی است. باید در تیم‌های فنی و تخنیکی هیات افغانستان، متخصص‌ترین‌ها شامل می‌شدند و هیات مذاکره‌کننده را مشورت می‌دادند. حتا پشت ورزیده‌ترین دیپلمات‌های کشورهای قدرت‌مند، یک تیم فنی و تخنیکی کارآزموده و متخصص وجود دارد. با تأسف هنوز هم اجماع سیاسی نه در درون حکومت و نه در میان بزرگان، احزاب و رهبران سیاسی افغانستان وجود ندارد که عامل مهم و تعیین‌کننده در میز مذاکره است. این پراکنده‌گی و اختلاف نظر، در میان اعضای هیات مذاکره‌کننده نیز تسری یافته است. حکومت افغانستان نمی‌تواند بدون شکل‌گیری اجماع سیاسی، هیات مذاکره‌کننده را به لحاظ سیاسی، تخنیکی و روحی تغذیه کند. این وضعیت در مذاکره، آفت است.

چرا باید سازمان ملل متحد وارد عمل شود؟

یکی از بدی‌های مذاکره این است که به گروه طالبان

مشروعیت سیاسی و بین‌المللی داد و طالبان هم از این امتیاز به خوبی بهره بردند. برای طالبان خروج نیروهای خارجی، روابط آشکار دیپلماتیک با کشورها و گسترش قلمروش در افغانستان برد به حساب می‌آید و در کوتاه‌مدت هیچ ضرورتی به دست‌یافتن به یک توافق سیاسی، پایان دادن به خشونت مسلحانه و استقرار صلح در کشور نمی‌بینند.

بنابراین، حکومت و هیات جمهوری اسلامی افغانستان باید هرچه سریع‌تر دو گزینه را روی دست بگیرند: ۱. تلاش برای دخالت مستقیم سازمان ملل متحد به عنوان میانجی اصلی و ناظر پروسه؛ ۲. وضع محدودیت زمانی برای گفت‌وگوها.

اگر سازمان ملل متحد وارد عمل شود، طالبان گفت‌وگوهای صلح را جدی خواهند گرفت، دو طرف از ضمانت بین‌المللی توافق‌نامه احتمالی صلح مطمئن خواهند شد و طالبان هم پیامدهای افزایش خشونت و تشدید جنگ را در جریان گفت‌وگوها سنجش خواهند کرد. تا حال دو طرف نسبت به تعهد هم‌دیگر بدبین و مشکوک‌اند و هیچ تلاشی هم برای اعتمادسازی صورت نگرفته است.

برای رسیدن به یک توافق سیاسی، لازم است که سازمان ملل متحد تمام روند صلح و منازعه را نظارت کند و اگر طالبان به خشونت‌ها و هدف قرار دادن افراد ملکی ادامه دادند، از نیروهای حافظ صلح و یا دفاع مشروع برای حفاظت از جان گروه‌های آسیب‌پذیر و شهروندان کار بگیرد.

هم‌چنان هیات جمهوری اسلامی افغانستان باید برای پایان گفت‌وگوها محدودیت زمانی وضع کند؛ کاری که باید قبل از این می‌شد. اگر تا زمان تعیین شده گفت‌وگو به نتیجه نرسید، آن را متوقف یا تحریم کند. هرچه زمان گفت‌وگوها طولانی‌تر شود، بحران سیاسی، امنیتی و اقتصادی در کشور عمیق‌تر می‌شود و کشور در حالت معلق و سردرگمی بیش‌تر قرار می‌گیرد. اگر این بار در آغاز گفت‌وگوها مثل گذشته عمل شود، باید آماده هر نوع سناریو باشیم.

«بودن یا نبودن؛ مسأله این است»

جمشید رسولی

مشاور امور ملی و سخنگوی لوی سارنوالی

با اعلام خروج نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان، استرالیا به طور موقت سفارتش در کابل را بست. ترس از فرادای ناروشن، از برگشت ۱۸۰ درجه‌ای به گذشته و تکرار تاریخ، کابل - این شهر محبوب شاهان - را در اندوه فرو برده است.

از آن‌جایی که به سبب مسوولیت‌های وظیفه‌ای خویش به عنوان مشاور امور ملی و سخنگوی مقام لوی‌سارنوالی، اوقات فراغت محدودی دارم، در موتر حین رفتن به دفتر، تصمیم گرفتم بخش‌هایی از کتابی را بخوانم که نویسنده آن رییس دولت جمهوری اسلامی افغانستان است.

Fixing Failed States: A framework for (rebuilding a fractured world) «بازسازی دولت‌های شکست‌خورده؛ چهارچوبی برای احیای مجدد جهان درهم شکسته» کتاب مشترک محمداشرف غنی و کلیر لاکهارت، منتشر شده توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد، پیرامون حکومت‌داری خوب است که نویسنده‌گان اثر با تکیه بر تجربه دست اولی که از کار در بانک جهانی، ملل متحد و نخستین دولت دموکراتیک افغانستان به دست آورده‌اند، الگوهای حکومت‌داری را در کشورهایی مانند افغانستان، سودان، نیپال و کوزوو به عنوان کشورهای در حال گذار از بحران و کشورهایی نظیر ایرلند، امریکای لاتین و سنگاپور به عنوان کشورهای موفق در امر دولت‌سازی بررسی کرده و پس از شناسایی چالش‌ها، برای حل بحران بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی چهل تا شصت کشور جهان که خاستگاه بحران‌های بزرگ جهانی از تروریسم و قاچاق مواد مخدر تا بحران مهاجرت و بیماری‌های جهان‌شمول‌اند، راهکارهای جدیدی را ارایه دهند.

در حین مطالعه کتاب، از پشت پنجره موتر، در میان مردمی که با دردهای‌شان آشنا و با نام‌شان بیگانه بودم، به چهره‌آشنایی برخوردم که مرا به خاطرات سال‌های پیش برد. نوید، از دوستانی بود که سال‌ها پیش، زمانی که در حال تطبیق برنامه یک نهاد بین‌المللی پیرامون تسهیل دسترسی مردم به عدالت بودیم، با او آشنا و همکار شدم.

بعد زمانی که به برنامه ستاژ سارنوالی در مرکز آموزش‌های حقوقی دانشگاه کابل راه یافتیم و پس از یک سال آموزش، اول نمره عمومی شدن باعث شد که به عنوان دادستان در دادستانی کل کشور استخدام شوم، او حرفه‌اش را با تطبیق برنامه‌های تمویل شده از سوی آژانس توسعه جهانی ایالات متحده (USAID - US Agency for International Development) ادامه داد.

از موتر پیاده شدم و پس از احوال‌پرسی و بغل‌کشی، فهمیدم که مسیرش سر راه مسیر دفتر ما است. پس باهم سوار موتر شدیم. از کاروبار هم‌دیگر پرسیدیم و از برنامه‌هایی که می‌خواهیم روی دست بگیریم. نوید که یکی دو سال از من بزرگ‌تر است، به شوخی گفت که موقت حکومتی پیر و بی‌مهرم ساخته است؛ طوری که از دوستان قدیمی دور شده‌ام و برای خودم کم‌تر وقت می‌گذارم.

برای اثبات خلاف ادعای او، برای خوردن صبحانه به برگرفروشی دوست و هم‌صنف دوران مکتبم رفتم. از آن‌جایی که خود رفیقم نبود و باید به دفتر می‌رفتم، برگرها را به جای صرف کردن در برگرفروشی، در دست گرفتم تا در موتر بخوریم.

برایم از خیرهای به اصطلاح خوش خودش گفت؛ این‌که قرار است طی حداکثر دو ماه دیگر، به وسیله ویزای مهاجرت ویژه مترجمان و قراردادی‌های دولت امریکا، به ایالات متحده نقل مکان کند. ظاهراً از این‌که چرا به جای یک رستوران شیک به یک برگرفروشی رفتم، کمی شاک می‌بود. من نیز از بالا بودن قیمت مواد تعمیراتی گله کردم؛ این‌که ساخت چهار اتاق، تمام پس‌انداز ده‌ساله‌ام را تمام کرد.

به‌تازده به من نگاه کرد و توأم با کنایه گفت: «امروز صبا، وضع از اینی که هست هم بدتر می‌شود. به خودت خو معلوم است که فکر نمی‌کنی، حداقل به فکر خانواده‌ات باش! جای این‌قدر مصرف سر خانه، پول‌هایت را دالر می‌کردی، برادرم در بخش خرید املاک در ترکیه کار می‌کنه، یک خانه می‌گرفتی و خود و خانواده‌ات را می‌کشیدی. خانه ساختن در این‌جه مثل خانه جور کردن نزدیک آتش‌فشان است، همان‌قدر پرخطر!»

دوست بود و عزیز، چیزی برایش نگفتم. ترجیح دادم

مهم نیست کی هستیم و چه

کاره، رستوران‌ت داریم یا

فروشگاه، وزیریم یا وکیل،

معلم یا داکتر؛ مهم این است

که هر کس در جایگاه خودش،

به مسوولیت‌های خویش به

گونه درست عمل کند؛ زیرا

بدون حمایت مردم، برای

ساختن این وطن از هیچ‌کس

به تنهایی کاری ساخته نیست،

ولو آن شخص محمداشرف

غنی، نامزد پست دبیرکل ملل

متحد، باشد.



به مردم و کشورم ادا کنم و برای دخترم پدري باشم که فردا به افتخار بگوید پدرم سارنوالی بود که می‌توانست با گردن بلند در برابر تمام مردم بایستد و بگوید که هرگز دستش به خون و فساد آغشته نشده است.

اما پس از صحبت با نوید، فهمیدم که مبارزه اصلی امروز است. تنها اگر در همین شرایط در کنار وطن و مردمم باشم، از دموکراسی و ارزش‌های جمهوری دفاع کرده و سهم خود را برای حفظ دستاوردهای دو دهه گذشته ادا کنم، سزاوار این افتخار خواهیم بود.

مهم نیست کی هستیم و چه کاره، رستوران داریم یا فروشگاه، وزیریم یا وکیل، معلم یا داکتر؛ مهم این است که هر کس در جایگاه خودش، به مسوولیت‌های خویش به گونه درست عمل کند؛ زیرا بدون حمایت مردم، برای ساختن این وطن از هیچ‌کس به تنهایی کاری ساخته نیست، ولو آن شخص محمداشرف غنی، نامزد پست دبیرکل ملل متحد، باشد.

سکوت کنم. گفتمش: «وطن است دیگر، حتا اگر خاکش آتش‌فشانی باشد، چیزی از وطن بودنش کم نمی‌شود؛ زیرا هرجا که بروی، در هر کشور مرفه‌ی که باشی، بار غربت همیشه هست. از نامادری‌های زیبا و شاد، همین مادر زیبا ولی کم‌رشکسته و غمگین را دوست‌تر دارم. هر چیزی که سر عام باشد، سر ما هم هست. خون من و خانواده‌ام از خون دیگر شهروندان این کشور سرخ‌تر نیست.»

او هم با یک «دلت دگه» گفتن و رسیدن به مقصدش، با من خداحافظی کرد.

دقایقی بعد از رسیدن به دفتر، کتاب را دوباره در دست گرفتم. چشمم به عنوان درشتی در صفحه راست افتاد: «حاکمیت قانون»، عبارتی که در ذهنم چندین بار انعکاس کرد.

زمانی که به دروازه دفتر کارم رسیدم، در شیشه دروازه، کسی را دیدم که بسیار آشنا بود؛ جمشید ۱۸ ساله‌ای



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

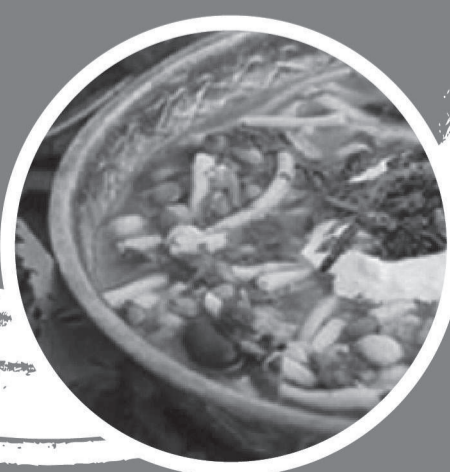
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آشردلیذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه
محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



جنگ و صلح در عصر رسانه؛

نیاز مبرم روزنامه‌نگاری صلح در افغانستان



خیرالدین رحمانی، دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات - دانشگاه علامه طباطبایی تهران

مقدمه

رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران رسالت سنگینی در قبال جامعه و مردم دارند و در هرشرایطی ملزم به اطلاع‌رسانی به مخاطبان خود هستند که این مهم، در شرایط جنگ و خشونت دشوارتر از سایر شرایط است. در چنین شرایطی از یک سو روزنامه‌نگار باید مراقب سلامت خود باشد و از سوی دیگر مراقب صحت و دقت در اطلاع‌رسانی، تا این وظیفه خطیر را بتواند به درستی به انجام رساند.

در نخستین لحظات یک اقدام تروریستی، اغلب رسانه‌ها اولین منبع اطلاعات برای شهروندان هستند، درست قبل از آن که مقام‌های دولتی بتوانند ارتباط برقرار کنند.

بنا بر نظر فرانک سسنو، متخصص روزنامه‌نگاری از دانشگاه جورج میسون ایالات متحده، مأموریت رسانه‌ها حیاتی است: «ارایه اطلاعات شفاف، دقیق، سریع و معتبر، هدف این است که به شهروندان کمک کنیم تا در کنار هم یا به موازات خدمات رسمی، از امنیت خود اطمینان حاصل کنند».

ژان پل مارتوز^۱ (۲۰۱۷)، در اثر خود تحت عنوان «رسانه‌ها و تروریسم» گفته است که رسانه‌ها باید در مواجهه با رویدادهای تروریستی اخلاقیات و اصول رسانه‌ای را رعایت کنند. از جمله در دستورالعملی که از سوی یونسکو^۲ تدوین شده است، به حقیقت‌جویی به عنوان یگانه اصل ضروری در روزنامه‌نگاری اشاره شده است که در متن حملات تروریستی حیاتی است. خبرنگاران در پوشش رویدادهای جنگ از روزنامه‌نگاری فازی اجتناب کرده و با در نظر داشتن پیچیده‌گی و امتناع از انکار واقعیت در تایید آن که «هیچ چیزی برای فهمیدن وجود ندارد» به وظایف خود عمل کند.

از سویی هم رسانه‌ها در برابر جامعه مسوولیت دارند و اقدامات رسانه‌ها بر مردم، نهادها، شرکت‌ها و غیره اثرگذار است؛ لذا رسانه‌ها حقوق و تکالیف خود را در اطلاع‌رسانی در برابر نگرانی‌ای که در مورد کاهش تاثیر منفی انتشار اطلاعات بر کرامت قربانیان دارند، متوازن می‌سازند (مارتوز، ۱۳۹۸: ۴۸-۵۳)

بنابراین در شرایطی که افغانستان درگیر جنگ و خشونت بی‌پیشینه است، بر روزنامه‌نگاران و رسانه‌های ما است تا با درنظرداشت همه آن‌چه تا این‌جا ذکر شد، رسالت سنگین و انسانی کاستن از خشونت‌ها را با استفاده از روزنامه‌نگاری صلح نیز بر دوش‌شان حمل کنند.

روزنامه‌نگاری صلح

روزنامه‌نگاری صلح با اتخاذ یک رویکرد مدافعه‌گر بر خبرها و گزارش‌هایی تمرکز می‌کند که تفاوت‌های قومی و مذهبی را کم‌رنگ ساخته و محرک‌های صلح را پررنگ می‌سازد و مانع برخوردهای بیشتر می‌شود. هم‌چنان این نوع روزنامه‌نگاری، رویکرد حل‌وفصل مناقشه و بازسازی آشتی را از طریق انعکاس دیدگاه همه طرف‌های درگیر در پیش می‌گیرند و بدین طریق بر ساختار جامعه تمرکز کرده وسیله همدلی و درک متقابل می‌شود.

سرمقاله‌ها و ستون‌های روزنامه در روزنامه‌نگاری صلح، حاوی مطالب مشوق آشتی هستند و بر زمینه‌های مشترک، نه انتقام، تاکید می‌کنند که این رویکرد روزنامه‌نگاری صلح را رویکرد پیش‌گیرانه عنوان می‌کنند.

به باور مهدی فرقانی (۱۳۹۳) استاد دانشگاه علامه طباطبایی در تهران، گزارشگری صلح نوعی فرهنگ، اخلاق و سنت رسانه‌ای است که به جای گرایش به بازنمود خصومت، خشونت، اختلاف و پراکنده‌گی، به انعکاس تفاهم، صلح، انسجام و وحدت در جوامع انسانی علاقه دارد. در جهت تحقق این هدف، روزنامه‌نگاران همه کشورها می‌بایست به توافق عملی بر سر میناق اخلاقی و اصول و معیارهای روزنامه‌نگاری

جدید فراخوانده شوند که بر مبنای آن پای‌بندی به ترویج اصول دموکراسی، صلح و تفاهم در سطوح ملی و بین‌المللی و نیز احترام به حقوق بشر و کرامت انسان به عنوان مهم‌ترین وظیفه و تعهد حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به رسمیت شناخته شده و در فعالیت‌های رسانه‌ای، تجلی و بروز عینی یابد.

این نوع روزنامه‌نگاری نخستین بار از سوی یوهان گالتونگ^۳، استاد مطالعات صلح ناروی، مطرح شد. او مفهوم روزنامه‌نگاری صلح را به عنوان یک مفهوم خودآگاهانه و عملی برای روزنامه‌نگارانی که جنگ‌ها و برخوردها را پوشش می‌دادند، مطرح کرد. به باور گالتونگ، روزنامه‌نگاری جنگ و روزنامه‌نگاری صلح دو چارچوب تقابلی در پوشش یک برخورد است.

او روزنامه‌نگاری جنگ را با روزنامه‌نگاری ورزشی شبیه‌سازی می‌کرد که معمولاً موضوع خود را با توجه به یک بازی برنده - بازنده که در آن برنده شدن همه چیز است، می‌بیند. از دیگر صلح‌پژوهان برجسته‌ای که بیش‌تر بر روزنامه‌نگاری صلح تاکید می‌ورزند، جک‌لینچ^۴ و اناپل مک‌کلدریک^۵ اند. به باور آنان، روزنامه‌نگاری صلح از تجزیه و تحلیل درگیری استفاده می‌کند تا مفهوم تعادل، انصاف و دقت را به‌روزرسانی کند. رویکرد روزنامه‌نگاری صلح، یک نقشه راه جدید ارتباط میان روزنامه‌نگاران، منابع آن‌ها و داستان‌هایی است که پوشش می‌دهند.

مدل روزنامه‌نگاری صلح گالتونگ امروزه از سوی بسیاری از محققان و پژوهشگران عرصه روزنامه‌نگاری و صلح مورد تایید قرار گرفته است.

مدل روزنامه‌نگاری صلح گالتونگ

مدل روزنامه‌نگاری صلح گالتونگ براساس دوگانه‌گی میان آن‌چه او «روزنامه‌نگاری جنگ» و رویکرد «روزنامه‌نگاری صلح» می‌خواند، بنا شده است.

این مدل شامل چهار نکته اصلی از تقابل بین دو رویکرد است: روزنامه‌نگاری جنگ خشونت‌مدار، تبلیغات‌محور، نخبه‌گرا و پیروزی‌محور. اغلب به یک روش دوگانه‌گرایی، یک بازی با جمع صفر مرتبط است که در آن برنده همه چیز را می‌گیرد (مانند روزنامه‌نگاری ورزشی). یک نتیجه بالقوه این است که روزنامه‌نگاری جنگ با تولید مثل تبلیغات و ترویج جنگ به تشدید درگیری‌ها کمک می‌کند. روزنامه‌نگاری صلح، با تأیید این واقعیت که رسانه‌ها خود در جنگ تبلیغاتی نقش دارند، یک نقطه شروع اخلاقی و معنوی است.

این نوع روزنامه‌نگاری یک انتخاب آگاهانه را پیش‌کش می‌کند: شناسایی گزینه‌های دیگر برای خواننده‌گان/ بیننده‌گان با ارائه یک رویکرد راه‌حل‌گرا، مردم‌گرا و حقیقت‌گرا که به نوبه خود، متمرکز بر پیشنهادات احتمالی صلح است و طرفین درگیری ممکن است منافع خود را برای پنهان کردن داشته باشند. روزنامه‌نگاری صلح مردم‌محور روی قربانیان (غالباً تلفات غیرنظامیان) تمرکز می‌کند و بنابراین به بی‌صداها صدا می‌دهد.

هم‌چنین روزنامه‌نگاری صلح با رویکرد حقیقت‌گرا، دروغ‌ها را از همه طرف‌ها آشکار می‌کند و بر تبلیغات به عنوان ابزاری برای ادامه جنگ تمرکز دارد.

مدل روزنامه‌نگاری صلح گالتونگ، با مولفه‌های خاصی هم‌چون راه‌حل‌گرایی^۶، فرایندمداری^۷، حقیقت‌گرایی^۸ و مردم‌گرایی^۹ به خبرنگاران و گزارشگران اخبار درگیری این امکان را می‌دهد که با رعایت معیارهای ویژه، درگیری را پوشش داده و برای کاهش اثرات زیان‌بار آن تلاش کنند.

راه‌حل‌گرایی

گالتونگ معتقد است که راه‌حل‌گرایی، تنظیم راه‌حل‌ها همراه خلاقیت و ابتکار عمل در جهت رفع درگیری است. به عبارت دیگر، منظور این مولفه این است که روزنامه‌نگاران در فعالیت حرفه‌ای خود تا چه اندازه راه‌حل‌های مختلف را برای رفع کاهش درگیری به کار ببرند.

فرایندمداری: یعنی خبرنگار هنگام نوشتن و تنظیم خبرها، بتواند راجع به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و سابقه پیدایش رویدادها گزارش تهیه کند. هدف از این نوع خبر یا گزارش، آگاه کردن مردم است.

حقیقت‌گرایی: یعنی خبرنگار باید ناراستی‌های همه

طرف‌های درگیر را بازگو کند و فقط به بیان ناراستی‌های یک‌طرف نپردازد؛ زیرا حقیقت همه طرف‌های درگیر را در بر می‌گیرد؛ یعنی این‌که خبرنگار در پردازش اخبار تا چه حد به حقایق توجه می‌کند.

مردم‌گرایی: به باور گالتونگ مردم‌گرایی نقطه مقابل نخبه‌گرایی است که این رویکرد تاکید و تمرکز بر رنج‌های ناشی از جنگ، منعکس کردن صدای آنانی که طرفدار صلح‌اند و بلند کردن صداهای خاموش دارد.

روزنامه‌نگاران و جنگ رسانه‌ای

جنگ معاصر یک خط مقدم جدید دارد؛ خط مقدمی که در آن‌جا دیگر جنگ فیزیکی در نمی‌گیرد، بلکه جنگ حالت رسانه‌ای و مجازی دارد و بازیگرانی که درگیر آن هستند، بمب‌ها و گلوله‌ها را با اسلحه‌ای به شکل بایت‌ها و پهنای‌های نوار عوض کرده‌اند. از این رو به باور ژان‌پل مارتوز (۲۰۱۷) رسانه‌ها باید به گونه شفاف به اطلاع‌رسانی از رویدادهای جنگی بپردازند. این شفافیت دلالت بر این دارد که اشتباهات با حداکثر سرعت، رویت‌پذیری و صداقت اصلاح شود. شفافیت هم‌چنین می‌تواند به عنوان یک کالبدشکافی عمومی در نظر گرفته شود که پوشش رسانه‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و اشتباهات و زیاده‌روی‌های آن را شناسایی می‌کند.

با ظهور رسانه‌های جدید، جنگ به طور فزاینده‌ای در قلمرو الکترونیک برپا می‌شود؛ یعنی نه فقط با اعزام هواپیماهای جنگی به آسمان یا کلاشنیکوف و حمله انتحاری در روی زمین، بلکه هم‌چنین به وسیله بایت‌ها، پهنای نوار و تصاویر دیجیتال انجام می‌شود. تمام آن‌چه امروز لازم است، یک کمپیوتر، یک دوربین کوچک، کمی نرم‌افزار و یک اتصال اینترنت است تا پیامی به انبوه مخاطبان رسانیده شود. به تعبیری، رسانه‌های جدید وسیله ارزان و دوست‌دار - کاربر برای تولید واقعیت‌های مجازی هم‌اورد و خلق گفتارهای رقیب برای تاثیر بر برداشت افراد از یک منازعه خاص فراهم می‌کنند. در نتیجه حیاتی‌ترین نبردها در جنگ علیه تروریسم در کوهستان‌های بدخشان یا هلند در نمی‌گیرد، بلکه در اتاق‌های خبر رسانه‌ها و مهم‌تر از همه در انجمن‌های اینترنتی مختلف، از طریق یوتیوب، چت‌روم‌ها و وبلاگ‌ها انجام می‌شود.

به همان تناسبی که دولت‌ها از رسانه‌ها در جنگ استفاده می‌کنند، گروه‌های تروریستی نیز استفاده می‌کنند. به طور مثال القاعده و گروه طالبان از راهبردهای سنجیده‌ای نه با گلوله، بلکه با کلمات و تصاویر علیه دولت افغانستان و نیروهای خارجی استفاده کردند. این به‌کارگیری فناوری رسانه‌های جدید از سوی القاعده و طالبان، نشانه ظهور تروریست‌ها در نقش کارگردان‌های فلم است. آنان با زحمات زیاد از تمام عملیات خود فلم می‌گیرند تا بتوانند از طریق اینترنت بدون عبور از صافی‌های رسانه‌ها به طور مستقیم به مخاطبان هدف دست پیدا کنند.

مجید تهرانیان^{۱۱} (۲۰۰۲) برای روزنامه‌نگاران صلح ده فرمان زیر را توصیه کرده است:

- هیچ‌گاه طرف‌های کش‌مکش انسانی را به «دو» طرف کاهش ندهید. به یاد داشته باشید که وقتی دو فیل به جان هم بیفتند، علف‌ها لگدمال می‌شود مواظب علف‌های بیچاره باشید.
- دیدگاه‌ها و منافع همه طرف‌های کش‌مکش‌های انسانی را مشخص کنید. هیچ «حقیقت» منفردی وجود ندارد؛ حقایق بسیاری وجود دارد.
- گروگان یک منبع، به ویژه منابع دولتی‌ای که منابع اطلاعات را کنترل می‌کنند، نباشید.
- قدری شکاکیت به خرج دهید. به یاد داشته باشید که گزارشگری یعنی بازنمود. در شرایط زنده‌گی انسان‌ها، تعصب و پیش‌داوری رواج بسیار دارد. شما و موسسه رسانه‌ای‌تان و منابع‌تان از این قاعده مستثنا نیستید.
- به منظور تقویت و نشان دادن دیدگاه‌های ستم‌دیده‌گان و صلح‌سازان، به آن‌ها امکان ابراز وجود بدهید.
- سعی کنید برای مشکلات و مسایل مورد منازعه، راه‌حل‌های صلح‌آمیزی پیدا کنید و هیچ‌گاه گرفتار داری همه دردها نشوید.
- بازنمود مسایل مورد منازعه توسط شما، چنان‌چه بر میزان کینه و خصومت بیفزاید، خود ممکن است به

صورت بخشی از مساله درآید.

۸. بازنمود مسایل مورد منازعه توسط شما، چنان‌چه در آن از تنش‌های سازنده در هر کش‌مکش انسانی برای یافتن راه‌حل‌های اساسی و غیرخشونت‌آمیز استفاده

شود، می‌تواند خود به بخشی از راه‌حل تبدیل شود.

۹. همواره اصول اخلاقی رسانه‌های حرفه‌ای یعنی دقت، صحت، بی‌طرفی و رعایت حقوق و منزلت انسان را مد نظر داشته باشید.

۱۰. به منظور مشاهده و بازنمود درست و عادلانه طرف‌های درگیر در منازعات و کش‌مکش‌های انسانی، از تعصبات و پیش‌داوری‌های قومی، ملی و عقیدتی خودتان فراتر روید (تهرانیان، ۱۳۸۰: ۱۹).

نتیجه‌گیری

برای درک جنگ و صلح در عالم، چاره‌ای نداریم به جز این‌که از رسانه‌ها استفاده کنیم؛ به دلیل این‌که نمی‌توانیم هم‌زمان همه این اتفاقات را در عمل تجربه کنیم. بنابراین رسانه‌ها واسطه‌های اخبار جنگ‌های عالم‌اند. ولی همین واسطه بر شکل انعکاس وقایع تاثیراتی دارد که در این زمینه سه مکتب اساسی مطرح است؛ یکی مکتب تاثیرات علی رسانه‌ها، دیگر مکتب تاثیرات ساختارگرایانه و سوم مکتب تاثیرات انتقالی رسانه‌ها. هم‌چنان نظریه‌هایی نیز مطرح می‌شود که به تاثیرات مطلق رسانه، تاثیرات کم رسانه‌ها و تاثیرات گزینشگری می‌پردازد. برای مثال در نظریه تاثیرات گزینشگری رسانه‌ها می‌توان اذعان کرد که رسانه‌ها در زمان‌ها و شرایط خاصی روی برخی مخاطبان تاثیرگذارند.

خلاف تمام این بحث‌ها، مفهوم روزنامه‌نگاری صلح بیش‌تر روی فرض تاثیرات قدرت‌مند، علی و خطی رسانه‌ها تاکید دارد. این نظریه نگاه خوش‌بینانه‌ای به تاثیرات رسانه‌ها دارد و تاثیرات ارتباطات میان‌فردی را کوچک فرض می‌کند. نظریه تاثیرات مطلق رسانه‌ها که در دهه ۲۰ میلادی مطرح شد، مخاطبان را توده‌ای می‌بیند که به واسطه رسانه‌ها به یک‌دیگر وصل می‌شوند.

محققان عرصه روزنامه‌نگاری بدین باورند که باید ارزش‌های جدیدی به فهرست ارزش‌های خبری شناخته شده در حوزه رسانه‌ها که عمدتاً مبتنی بر منفی‌گرایی و بها دادن به ارزش برخورد و کش‌مکش است، تحت عنوان ارزش صلح و تفاهم دموکراسی افزوده شود. فرایند دروازه‌بانی خبر از تاکید بر انتخاب اخبار و رویدادهای منفی و حاوی ارزش برخورد و کش‌مکش، به سمت تاکید بر اخبار و رویدادهای صلح‌مدار و تقویت‌کننده تفاهم و مدارا سوق داده شود. هم‌چنین در زمینه برجسته‌سازی رویدادها، برجسته‌سازی صلح می‌بایست جایگزین برجسته‌سازی جنگ شود و این نیازمند تغییر فرهنگ رسانه‌ای است.

بازنگری در فهرست ارزش‌های خبری فرایند دروازه‌بانی و سنت برجسته‌سازی رسانه‌ها به منظور تبدیل مقوله صلح به یک ارزش خبری قابل عبور از دروازه در فرایند شکل‌گیری روزنامه‌نگاری صلح، اجتناب‌ناپذیر است. در بعد دروازه‌بانی نیز مطالب مربوط به صلح به دلیل فقدان ارزش خبری کش‌مکش، غالباً پشت دروازه‌های خبری متوقف می‌ماند، مگر آن‌که موضوع صلح در کنار رویدادهای مربوط به جنگ و درگیری مطرح شود.

منابع:

- Annabel McGoldrick and Jake Lynch. (2000). peace journalism what is it? How to do it? TRANSCEND. Retrieved from Transcend: <http://www.transcend.org>
- Galtung, J. (2017, 1 2). TMS peace Journalism. Retrieved from Trancend Media service: www.trancend.org
- Marthoz, Jean Paul. (2017). Terrorism and the media: handbook for journalists. UNESCO. ISBN:978-92-3-100199-4
- Ottosen, R. (2010). The War in Afghanistan and peace journalism practice. media war and conflict, 3(3), 262-278. doi:DOI: 10.1177/1750635210378944
- Tehraniyan, Majid. (2002). Peace journalism; negotiating media ethics. The international journal of press politics, 7(2), 58-83. doi.org/10.1177%2F1081180X0200700205
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۹۳). روزنامه‌نگاری ارتباطات و جامعه، تهران: انتشارات اطلاعات.

«کشور در اوج فاجعه قرار دارد»



عبدالحمید حسینی

استرازیونکا باید در هفته چهارم تطبیق شود. آقای حیدری افزوده است: «حالا که هفته پنجم است، کی مسوولیت را می‌پذیرید؟ اگر تاخیر در تطبیق دوز دوم کارایی واکسین را زیر پرسش ببرد، مسوول کیست؟ اگر تاخیر در دریافت دوز دوم باعث عارضه‌های جانبی در نزد افراد شود و صحت و حیات آنان را با مخاطره مواجه کند، پاسخگو کیست؟»

این استاد دانشگاه از جانب دیگر گفته است که ممکن است عدم دریافت دوز دوم واکسین در زمان معین آن کدام مشکل به وجود نیارد، اما این افراد از نگاه روانی آسیب‌پذیر شده‌اند. علاوه بر این، او پرسیده است: «هزاران نفری که در دانشگاه کابل در دور اول واکسین استرازیونکای نوع هندی دریافت کردند و حال اگر دوز دوم از نوع دیگر (به گونه مثال واکسین چینی) تطبیق شود، آیا این دو نوع واکسین هم‌خوانی دارد؟ آیا سبب اختلال در دریافت‌کننده نخواهد شد؟ آیا تا حال تجربه شده است که دوز اول واکسین هندی و دوز دوم از کشور دیگر در یک فرد تطبیق شده باشد، عوارض نداشته باشد و کارایی داشته باشد.»

وزارت صحت با کمبود آکسیژن روبه‌رو است

در همین حال وزارت صحت عامه می‌گوید که با کمبود آکسیژن روبه‌رو است. غلام‌دستگیر نظری، سخنگوی این وزارت، به روزنامه ۸ صبح گفت که وزارت صحت علامه تلاش کرده تا افراد بیش‌تر را واکسین کند. او اما در مورد نگرانی استادان دانشگاه کابل گفت که حداقل فاصله میان دوز اول و دوز دوم واکسین کرونا چهار هفته، اما براساس توصیه‌های سازمان صحتی جهان، حداکثر فاصله میان این دو دوز شانزده هفته است. آقای نظری خاطر نشان کرد که در کارایی دوز اول و دوم تفاوت ندارد. او اطمینان داد که وزارت صحت عامه تا پیش از شانزده هفته، دوز دوم واکسین را به تمامی کسانی که دوز اول را دریافت کرده‌اند، تطبیق می‌کند.

این در حالی است که تا کنون بیش از شش میلیون نفر واکسین دریافت کرده‌اند. وزارت صحت عامه تاکنون ۹۶۸ هزار دوز واکسین فراهم کرده است. ۵۰۰ هزار دوز از این واکسین‌ها را هند و ۴۸۶ هزار دوز دیگر را سازمان جهانی صحت از طریق برنامه کوواکس کمک کرده است. با این حال قرار است ۷۰۰ هزار دوز واکسین را چین کمک کند. هم‌چنان پیش‌تر محمداشرف غنی، رئیس جمهور کشور، گفته بود که حکومت تمامی تلاش‌ها را برای فراهم کردن واکسین به خرج می‌دهد. او به مردم اطمینان داده بود که حکومت از بودجه‌اش واکسین بیش‌تر را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر سخنگوی وزارت صحت عامه کمبود آکسیژن در کشور را یک چالش خواند. هرچند به گفته او هیچ شفاخانه‌ای تاکنون با کمبود آکسیژن روبه‌رو نشده، اما افزایش واقعات ابتلا به کرونا، این نگرانی‌ها را بیش‌تر کرده است. دستگیر نظری اما از همکاری نکردن مردم با وزارت صحت عامه انتقاد کرد.

او گفت که به دلیل رعایت نشدن توصیه‌های صحتی از سوی مردم، کشور در اوج یک فاجعه قرار دارد. او افزود که بی‌تفاوتی مردم سبب شده که وضعیت بحرانی و خراب‌تر شود. با این حال آقای نظری بیان کرد که وزارت صحت عامه شماری از دستگاه‌های تولید آکسیژن را در شفاخانه‌ها نصب کرده و در تلاش است تا دستگاه‌های بیش‌تری را از بازارهای بین‌المللی خریداری کند. او کمبود آکسیژن را یک مشکل جدی عنوان کرد و هشدار داد که اگر وضعیت به همین شکل ادامه یابد، این مشکل جدی‌تر خواهد شد. این در حالی است که سرپرست وزارت صحت عامه نیز بارها از کمبود آکسیژن هشدار داده است. به تازه‌گی سرپرست این وزارت از شفاخانه‌های خصوصی خواسته است که در مصرف آکسیژن صرفه‌جویی کنند. از سوی دیگر او بار دیگر از مردم خواسته است که توصیه‌های صحتی وزارت صحت عامه را جدی بگیرند و در تجمعات شرکت نکنند.

از سوی دیگر سخنگوی وزارت صحت عامه گفت که تا هنوز کشور به قله موج سوم نرسیده است. او ابراز امیدواری کرد که پیش از رسیدن به قله، موج سوم کنترل شود.

گفتنی است که نخستین مورد مثبت ویروس کرونا در پنجم حوت سال ۱۳۹۸ در کشور ثبت شد. پس از آن سه بار این ویروس سیر صعودی به خود گرفته است. براساس آمارهای وزارت صحت عامه، تاکنون ۸۰ هزار و ۶۱۵ تن به این ویروس مصاب شده که از این میان ۵۸ هزار و ۶۲۲ تن صحت‌یاب شده و سه هزار و ۱۹۵ تن دیگر جان باخته‌اند.

ویروس کرونا پس از عید فطر گسترش و آمار مبتلایان به آن افزایش یافت؛ طوری که پس از روزهای عید هم‌روزه بیش از هزار تن به این ویروس مبتلا می‌شوند، در حالی که پیش از عید روزانه به طور میانگین ۱۰۰ تا ۳۰۰ تن به این ویروس مبتلا می‌شدند. با این حال، در جریان روز گذشته یک هزار و ۳۷۹ تن به این ویروس مبتلا شدند و هم‌چنان ۵۰ تن دیگر به دلیل ابتلا به کرونا جان باختند.



مراجعه‌کننده‌گان زیاد است و ماشین‌های پی‌سی‌آر توان آزمایش همه نمونه‌های مشکوک را ندارد. این در حالی است که تاکنون در بامیان پنج هزار و ۷۴ نمونه آزمایش شده که از این میان سه هزار و ۸۵۶ نمونه آن منفی تشخیص شده است. هم‌اکنون ۲۰۰ نمونه دیگر در انتظار آزمایش قرار دارد. در این ولایت در حالی ظرفیت آزمایش پایین گزارش شده است که پیش از این وزارت صحت عامه گفته بود که ظرفیت انجام آزمایش‌ها را در ولایات بیش‌تر می‌کند. مسوولان این وزارت گفته بودند که این وزارت توانایی انجام ۲۸ هزار آزمایش در یک روز را دارد.

مسوول برنامه‌های کووید-۱۹ وزارت صحت عامه در بامیان گفت که در حال حاضر تصمیم دارند بخشی از نمونه‌ها را به کابل بفرستند. او افزود: «وضعیت طوری است که به طرف اوج شیوع ویروس کرونا در حرکت هستیم». از سوی دیگر آقای مستمندیار در رابطه به تعداد بسترها و ظرفیت شفاخانه کووید-۱۹ این ولایت گفت که هرچند ظرفیت کامل نیست، اما تا حدودی ظرفیت وجود دارد. به گفته او در حال حاضر برای بیماران تخت، اتاق و بالون آکسیژن وجود دارد، اما از آن‌جایی که شفاخانه این ولایت ۲۰ بستر دارد، زمانی که بیماران افزایش پیدا می‌کند، فشار کار بر کارمندان بیش‌تر می‌شود و ماشین‌الات نیز کمبود می‌کند. هم‌چنان آقای مستمندیار بیان کرد که واکسین کرونا در این ولایت تمام شده است. براساس معلومات وزارت صحت عامه برای این ولایت ۱۵ هزار دوز واکسین در نظر گرفته شده بود و به گفته مستمندیار این مقدار واکسین تطبیق شده است. مسوول برنامه‌های کووید-۱۹ وزارت صحت عامه در بامیان افزود که شمار زیادی فقط دوز اول را دریافت کرده‌اند که باید دوز دوم را نیز دریافت کنند. در حال حاضر یک هزار و ۱۶۵ واقعه مثبت ویروس کرونا در این ولایت شناسایی شده که از این میان ۱۹ تن جان باخته‌اند.

دانشگاه کابل؛ هزاران تن منتظر دریافت دوز دوم

در همین حال شماری از باشندگان کابل به ویژه استادان دانشگاه کابل می‌گویند، با وجودی که بیش از یک ماه از زمان دریافت نخستین دوز واکسین گذشته، اما تاکنون دوز دوم را دریافت نکرده‌اند. ذبیح‌الله حیدری، استاد دانشگاه کابل، در صفحه فیس‌بوکش نوشته است که ضعف مدیریتی وزارت تحصیلات عالی و دانشگاه کابل، بی‌برنامه‌گی و شاید فساد در وزارت صحت و هماهنگی ناقص دانشگاه کابل با این وزارت، سبب شده است که هزاران تن از دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه کابل برای دریافت دوز دوم واکسین کرونا با مشکل مواجه شوند. به گفته او، اکنون که یک هفته از تاریخ معین آن یعنی هفته چهارم سپری شده، آنان دوز دوم را دریافت نکرده‌اند. او گفته است: «روند تطبیق دوز دوم واکسین کرونا در دانشگاه کابل باید به تاریخ ۱۱ جوزا آغاز می‌شد که متأسفانه تنها چند صد دوز محدود تنها برای افراد بالاتر از سن ۵۰ و برخی مقام‌های وزارت تحصیلات و دانشگاه کابل اختصاص داده شد، در حالی که دور اول تطبیق واکسین برای همه افراد در هر سن و سال بدون هیچ محدودیتی اجرا شد.» او این نواقص در اجرای تطبیق واکسین را پرسش‌برانگیز خوانده و گفته است که اگر شمار واکسین کرونا محدود بوده است، چرا آن را به هزاران نفر بدون محدودیت سنی در دانشگاه کابل تطبیق کرده است. او افزوده که این مسأله باید میان دانشگاه و وزارت صحت واضح می‌بود تا باعث سرگردانی و نگرانی هزاران تن نمی‌شد. او گفته است که براساس آزمایش‌های بالینی، دوز دوم واکسین

با آن که شفاخانه کووید-۱۹ در این ولایت ظرفیت ۱۵ بستر را دارد، اما ۲۲ بیمار کرونایی در این شفاخانه بستری‌اند و وضعیت شماری از آنان نیز وخیم است. رئیس شفاخانه کووید-۱۹ ولایت پنجشیر کمبود آکسیژن را از مشکلات عمده عنوان کرد و گفت که باید برای حل این مشکل، چاره‌ای سنجیده شود. شفیق همدرد، مسوول شفاخانه ولایتی فیض‌آباد بدخشان، نیز گفت که موج سوم ویروس کرونا در این ولایت در حال گسترش است. به گفته او، از آغاز شیوع ویروس کرونا تاکنون بیش از یک هزار و ۲۰۰ تن در ولایت بدخشان به این ویروس مبتلا شده‌اند. به گفته او، تنها در جریان چند روز از میان ۱۹۳ نمونه مشکوک، ۱۱۷ مورد آن مثبت تشخیص داده شده است. هم‌چنان در جریان موج سوم چندین تن جان باخته‌اند. آقای همدرد گفت علی‌رغم این‌که واقعات مثبت ویروس کرونا در این ولایت رو به افزایش است، وزارت صحت عامه تعداد پرسونل شفاخانه کووید-۱۹ را کاهش داده است. افزون بر این، او یادآور شد که در نخست برای شفاخانه کووید-۱۹ این ولایت ۲۰ بستر در نظر گرفته شده بود، اما بعداً قرار شد که به ۳۵ بستر افزایش یابد. آقای همدرد تصریح کرد که این وعده تا کنون از سوی وزارت صحت عامه عملی نشده است.

مسوولان شفاخانه ولایتی بدخشان از سویی هم گفتند که این شفاخانه با کمبود آکسیژن روبه‌رو است و در صورت عدم تأمین آکسیژن، «فاجعه انسانی» رخ خواهد داد.

ولایت قندهار نیز با چنین مشکلی روبه‌رو است. این ولایت پس از کابل و هرات، بیش‌ترین آمار ثبت شده به کرونا را دارد. از آغاز شیوع ویروس کرونا تاکنون بیش از پنج هزار و ۳۰۰ تن در این ولایت به کرونا مبتلا شده‌اند. محمدطووس اشرف نادری، رئیس صحت عامه قندهار، گفت که در حال حاضر شفاخانه این ولایت ۱۰۰ بستر دارد و قرار است ظرفیت آن بیش‌تر شود. در عین حال او تأکید کرد که تعداد پرسونل نیز اضافه می‌شود. او افزود که ممکن است با افزایش روزافزون مبتلایان به کرونا، با کمبود آکسیژن مواجه شویم.

از سوی دیگر داکتر عبدالملک‌طلب حامد، رئیس شفاخانه کووید-۱۹ ولایت کاپیسا، از روند ارایه خدمات به مردم این ولایت اطمینان می‌دهد. او به روزنامه ۸ صبح گفت که کدام مشکل جدی برای عرضه خدمات در شفاخانه کووید-۱۹ این ولایت وجود ندارد و موج سوم ویروس کرونا نیز مهار خواهد کرد. آقای حامد بیان کرد که در موج سوم ویروس کرونا ۳۷۶ تن به این ویروس مصاب شده‌اند که از این میان ۱۸۰ تن را مردان و ۱۹۶ تن را زنان تشکیل می‌دهند. او افزود که در حال حاضر ۱۹ تن در شفاخانه کووید-۱۹ این ولایت بستری‌اند. آقای حامد افزود که تاکنون مشکل کمبود آکسیژن در این ولایت حس نشده و روزانه وزارت صحت عامه ۱۵ تا ۲۰ بالون آکسیژن را در اختیار این ولایت قرار می‌دهد.

بامیان؛ «ماشین‌های پی‌سی‌آر توانایی آزمایش همه نمونه‌ها را ندارد»

حسین‌علی مستمندیار، مسوول برنامه‌های کووید-۱۹ در بامیان، به روزنامه ۸ صبح گفت که میزان ابتلا به ویروس کرونا در این ولایت افزایش یافته است. او گفت که در شروع هفته گذشته، ده بیمار کرونایی در شفاخانه بیست بستر کووید-۱۹ این ولایت بستری بودند، اما در ختم همان هفته، شمار بیماران به ۲۸ نفر افزایش یافت. به گفته مستمندیار، این آمار نشان می‌دهد که شیوع کرونا در ولایت بامیان به اوج خود نزدیک می‌شود. آقای مستمندیار افزود که شمار

تعداد واقعات مثبت ویروس کرونا و میزان مرگ‌ومیر ناشی از این ویروس افزایش یافته است. براساس آمارها، تنها در یک روز گذشته یک هزار و ۳۷۹ تن به این ویروس مبتلا شده و ۵۰ تن دیگر جان باخته‌اند. این افزایش روزافزون مبتلایان به ویروس کرونا، نگرانی مسوولان صحتی ولایات را برانگیخته است. مسوولان ریاست صحت عامه ولایات می‌گویند در صورتی که وضعیت به همین شکل ادامه یابد، احتمال کمبود آکسیژن وجود دارد. آنان از وزارت صحت عامه می‌خواهند که برای پیش‌گیری از وقوع یک «فاجعه» تدابیری را جهت رفع کمبود آکسیژن بسنجند. در همین حال وزارت صحت عامه نیز تأیید می‌کند که کمبود آکسیژن از چالش‌های عمده این وزارت است. مسوولان این وزارت تأکید دارند که در تلاش یافتن یک راه‌حل برای تأمین آکسیژن مورد نیاز هستند. به گفته این مسوولان، وزارت صحت عامه در تلاش است تا دستگاه‌های مولد آکسیژن را از بازارهای جهانی خریداری و به کشور وارد کند. این در حالی است که معضل کمبود آکسیژن در بیش‌تر کشورهای محسوس است. با این حال مسوولان وزارت صحت عامه از همکاری نکردن مردم در جلوگیری از گسترش ویروس کرونا انتقاد می‌کنند. به گفته آنان شهروندان کشور تدابیر صحتی را مراعات نمی‌کنند و در تجمعات به شکل بی‌پروا اشتراک می‌ورزند. به گفته این مسوولان، بی‌پروایی مردم سبب شده که کشور در «اوج یک فاجعه» قرار بگیرد. با این هم مسوولان وزارت صحت عامه از مردم می‌خواهند که توصیه‌های وزارت صحت عامه را رعایت کنند تا موج سوم ویروس کرونا کنترل شود.

ویروس کرونا پس از عید فطر گسترش و آمار مبتلایان به آن افزایش یافت؛ طوری که پس از روزهای عید هم‌روزه بیش از هزار تن به این ویروس مبتلا می‌شوند، در حالی که پیش از عید روزانه به طور میانگین ۱۰۰ تا ۴۰۰ تن به این ویروس مبتلا می‌شدند. با این حال، در جریان روز گذشته یک هزار و ۳۷۹ تن به این ویروس مبتلا شدند و هم‌چنان ۵۰ تن دیگر به دلیل ابتلا به کرونا جان باختند. این آمار در کل ولایات ثبت شده است. اکنون شماری از مسوولان صحتی ولایات از این وضعیت ابراز نگرانی کرده و به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که اگر وضعیت همین قسم ادامه یابد، ممکن است یک فاجعه رخ دهد.

عبدالحمید ژکفر عالمی، رئیس شفاخانه کووید-۱۹ در ولایت پروان، گفت که از آغاز شیوع ویروس کرونا تاکنون نزدیک به نه هزار نمونه مشکوک آزمایش شده که از این میان یک هزار و ۳۰۰ تن در موج‌های اول و دوم و ۴۰۱ تن دیگر در موج سوم مثبت تشخیص شده‌اند. او افزود که شمار مبتلایان در موج سوم نسبت به موج اول و دوم بیش‌تر است و هم‌اکنون ۱۱۲ بیمار در این شفاخانه بستری‌اند. آقای عالمی تصریح کرد که بیش‌تر این بیماران به آکسیژن نیاز شدید دارند. رئیس شفاخانه کووید-۱۹ ولایت پروان با ابراز نگرانی از کمبود آکسیژن گفت که روزانه ۲۰ بالون آکسیژن در اختیار این شفاخانه قرار داده می‌شود. او افزود که با توجه به میزان مبتلایان کرونایی، کمبود آکسیژن به شدت مشکل‌ساز است.

عبدالمعروف نصرتی، رئیس شفاخانه کووید-۱۹ ولایت پنجشیر، از سیر صعودی ویروس کرونا در این ولایت ابراز نگرانی کرد. او به روزنامه ۸ صبح گفت که روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر برای آزمایش کرونا به این شفاخانه مراجعه می‌کنند. فیصدی واقعات مثبت در این ولایت ۷۳ درصد اعلام شده است. با این حال او افزود که از آغاز شیوع ویروس کرونا تاکنون ۹۵۷ نفر به این ویروس مبتلا شده‌اند. آقای نصرتی تصریح کرد،



سال پانزدهم
شماره ۱۷ ۳۶
دوشنبه
۱۷ جوزای ۱۴۰۰
۷ جون ۲۰۲۱
قيمت: ۲۰ افغانۍ

تاپۍ

پروژه خیالی یا راه‌گشای مشکلات اقتصادی؟



محمدحسین بڼخواه

سه سال پېش رييس جمهور غني وعده سپرد که گاز پروژه تاپی تا دو سال ديگر خانه هراتيان را روشن می‌کند، اما یک سال از آخرين مهلت عملي شدن این وعده گذشته

و تاکنون زمان دقيق آغاز کار

عملي این پروژه بزرگ اقتصادي در خاک افغانستان مشخص نېست. شماری از فعالان مدني در هرات باور دارند که تأخير چندساله در آغاز کار عملي تاپي، نشان می‌دهد که این پروژه اقدامي «نمایشي و خیالي» برای کارزارهای انتخاباتي رييس جمهور غني بود و در عمل هيچ کاری برای آغاز آن انجام نشده است. از سوی ديگر، وزير خارجه کشور پس از دیدار با همتای ترکمنستاني خود می‌پذیرد که مشکلات امنيتي مهم‌ترين نگرانی در عملي شدن پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای مانند «تاپي» و «تاپ» است و کشورهای افغانستان و ترکمنستان به تنهایی توان پرداخت ميلياردها دالر برای آغاز کار عملي این پروژه‌ها را ندارند. مقام‌ها در وزارت معادن و پتروليم نیز تأکيد دارند که «تاپی» پروژه خیالي نېست و بانک انکشاف آسیایي یک ميليارد دالر برای این پروژه تعهد کرده است. به گفته آنان، حدود سه ماه ديگر زمان دقيق آغاز کار عملي پروژه تاپي در خاک افغانستان مشخص می‌شود.

محمدحنيف اتمر، وزير خارجه کشور، پس از پايان نشست دوروزه مشترک با رشيد مردوف، وزير خارجه ترکمنستان در هرات، از توافق دو کشور برای آغاز کار عملي پروژه خط انتقال گاز ترکمنستان از مسير افغانستان به پاکستان و هند يا «تاپی» خبر می‌دهد. در جريان نشست‌های مشترک مقام‌های حکومتی

افغانستان و ترکمنستان، روی هشت موضوع مهم از جمله آغاز کار پروژه تاپي، خط انتقال برق «تاپ»، خط ريل مشترک میان دو کشور، صادرات سنگ مرمر هرات، ايجاد دانشکده نفت و گاز در هرات، حضور دانشجویان کشور برای تحصيل در ترکمنستان، صلح و امنيت در افغانستان و افزايش همکاری‌های دوجانبه بحث شده است.

آقای اتمر روز یک‌شنبه، شانزدهم جوزا، در جريان یک نشست خبری در هرات گفت که براساس توافق انجام شده میان افغانستان و ترکمنستان، کار عملي پروژه «تاپی» در خاک افغانستان تا چند ماه ديگر آغاز می‌شود. به گفته او، مهم‌ترين چالش سد راه تاپي و بزرگ‌ترين نگرانی مقام‌های کشور ترکمنستان در پيوند به پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای مانند «تاپي» و «تاپ»، نامنی در خاک افغانستان است. او از طالبان خواست که فرصت تاريخي برای صلح و آتش‌بس و ساختن آینده افغانستان از راه گفت‌وگو را از دست ندهند و نبايد کشور را از امنيت و پروژه‌های مهم ملي محروم سازند.

وزير خارجه کشور تأکيد کرد: «اگر علاقه‌مندی در طالبان و رهبران‌شان به خاطر صلح، پازسازی و ترقی افغانستان وجود داشته باشد، بايد عملاً ثابت بسازند که مخالف این پروژه‌ها نېستند. آن‌ها ظاهراً می‌گویند که ما مخالف نېستيم و در تأمین امنيت همکاری می‌کنيم، اما همان‌گونه که شما فرموديد، بر پاسگاه‌های مرزی حمله می‌کنند». محمدحنيف اتمر به گونه ضمنی طالبان را به ممانعت از اجرائ پروژه‌های بزرگ ملي در کشور به دستور ديگران متهم کرد و افزود: «سوال مردم این است که این کار را از دید خود می‌کنی که مانع این پروژه‌ها شوی، این دید خودت است و يا علاقه‌مندی

کسی ديگر است که تو می‌خواهی عملي بسازی بالای کشور و بالای مردم خود». از دید وزير خارجه کشور، ادامه خشونت و خون‌ريزی از سوی طالبان فرصت صلح و ثبات و فرصت انجام پروژه‌های بزرگ تاريخي، اقتصادي و منطقه‌ای را از مردم افغانستان می‌گیرد و در این صورت طالبان مستقيماً مسوول آن خواهند بود. در حالی که آقای اتمر طالبان را به ممانعت در اجرائ پروژه‌های بزرگ ملي از جمله تاپي متهم می‌کند، اما از سوی ديگر طالبان ادعا دارند که آنان حامی این پروژه هستند و نخستين اقدامات برای اجرائ پروژه تاپي در هنگام حاکميت آنان انجام شد و طالبان از آغاز کار عملي تاپي پشتي‌بانی می‌کنند. ذبيح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گويد که اساس کار پروژه تاپي در زمان حاکميت آنان گذاشته شد، اما به دليل جنگ در کشور، کارش نيمه ماند. او افشاری کرد که طالبان حاضرند امنيت این پروژه را در مناطق زیر کنترل‌شان تضمين کنند.

شماری از فعالان مدني در هرات باور دارند که تأخير چندساله در آغاز کار عملي پروژه تاپي برای هراتيان قابل قبول نېست و مردم احساس می‌کنند که این پروژه اقدامي «نمایشي و خیالي» برای کارزارهای انتخاباتي رييس جمهور غني بود و در عمل هيچ کاری برای عملي شدن آن و آغاز کارش در خاک افغانستان انجام نشده است. اميد ناب، از فعالان مدني هرات، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گويد که حکومت مرکزی روی افتتاحیه‌های نمادين تمرکز کرده و برای آغاز کار عملي پروژه‌های بزرگ در کشور اقدامي نکرده است که یکی از این پروژه‌ها تاپي است. از دید او، آغاز کار تاپي نويد بزرگی برای شوکفایي اقتصادي در هرات و رشد کسب‌وکار مردم بود، اما این پروژه به فراموشي

مؤسسان غیر درانی سلطنت احمدشاه درانی

◆ یحیا حازم اسپندیار

در حالی که در میان چهار قوم کلان در افغانستان، بیش‌ترین هم‌پوشانی تباری، زبانی و مذهبی میان تاجیکان و پشتون‌ها وجود دارد، بدبختانه بیش‌ترین تنش‌های برساختی نیز میان این دو قوم ایجاد شده است. ناسیونالیست‌های پشتون و الیگارشیست‌های تاجیک دو گروهی‌اند که به تضادهای قومی دامن می‌زنند. این مسأله در مقاله «افغانستان در نبرد خرده‌روایت‌های متخاصم» با جزئیات بیان شده است. هر دو گروه یاد شده برای توجیه و تعمیم نظرات‌شان به روایت‌سازی برساختی و یا ساخته‌گی از تاریخ دست می‌بازند. الیگارشیست‌ها و جنبش‌های فرهنگی‌شان تلاش دارند تا گذشته پشتون‌ها را مکدر و کم‌مایه جلوه دهند و در طرف دیگر ناسیونالیست‌های قومی پشتون سعی دارند تا گذشته چندین‌هزارساله این سرزمین را در محدوده ۲۷۰ ساله تقلیل دهند و در عین حال روایت تک‌قومی نیز از این ۲۷۰سال بسازند. یکی از روایت‌های برساختی ناسیونالیست‌های قومی، ایجاد حرکت شعوری، نظام‌مند و برنامه‌دار پشتونی برای شکل‌دهی افغانستان و دولت پشتونی در قرن ۱۸ میلادی است. این روایت احمدشاه درانی را به حیث سردم‌دار و سالار این حرکت و سایر سران قوم درانی را به حیث ممد و یاور احمدشاه یاد می‌کند. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که احمدشاه درانی چنین اندیشه‌ای نداشته و حتا در همه دوره پادشاهی سدوزاییان چنین روایتی شکل نگرفته است. در عین حال همین گزارش‌ها نشان می‌دهد که سایر سران طوایف درانی نیز ضمن بی‌خبر بودن از چنین حرکتی، سخت مخالف شاه شدن احمدشاه درانی بوده‌اند. برای پی بردن به ماهیت رویدادهای زمانه احمدشاه، تنها کتاب و منبعی که به دستور شخص احمدشاه درانی نگاشته شده و پس از بازخوانی در حضورش به سلیقه خود او تصحیح و بازنگاری شده است، کتاب «تاریخ احمدشاهی» نوشته محمود حسینی جامی است. شوربختانه این کتاب به خاطر حقیقی که خلاف میل ناسیونالیست قومی در خود دارد، زیاد در افغانستان استقبال نمی‌شود. اما این مقاله سعی دارد تا تأسیس حکومت درانی را براساس گزارش‌های کتاب یاد شده که تنها منبع اصلی است، استخراج و تدوین کند.

اولین عنوان کتاب تاریخ احمدشاهی که پیرامون شاه شدن احمدشاه درانی شرح می‌دهد، به این نام است:

«در بیان رسیدن رایات نصرت‌شعار به دارالقرار قندهار و شرح جلوس حضرت جهان‌بانی بر تخت فیروزبخت مملکت‌ستانی و وقایع سال اول جلوس میمنت‌مانوس مطابق سنه ۱۱۶۰ هجری موافق سال توشقان نیل ترکی». در زیر این عنوان، اولین سطرها درباره شاه شدن احمدشاه درانی چنین می‌گوید: «تمامی خوانین عظام و رؤسا و سرکرده‌گان والامقام، بعد از مصلحت و کنکاش از خواص و عوام به جمعیت و ازدحام تمام وارد درگاه سپهراحتشام گردیده و متفق الفظ و الکمه، استدعای جلوس میمنت‌مانوس و اقدس بر اورنگ سلطنت موروثی نمودند». چنان که از محتوای متن پیدا است، همه کسانی که در قندهار آن زمان حضور داشتند، خواهان تخت‌نشینی احمدشاه درانی بودند و او از این کار ابا می‌ورزید. بالاخره در سطر۱ پایین‌تر بیان می‌شود که صوفی‌ای به نام صابرشاه «گیاه سبزی به دست گرفته، نزدیک آمده به جای جیقه بر گوشه کلاه آن حضرت استوار ساخته…» از متن معلوم می‌شود که صابرشاه صوفی گیاه سبزی را به حیث تاج شاهی بر سر احمدشاه درانی می‌گذارد و این‌گونه او شاه می‌شود. توجه شود که در روایت برساختی گیاه سبز به خوشه گندم میدل شده است و در پسوند صابرشاه «کابلی» نیز اضافه گردیده است. اما در چند سطر بعد می‌گوید که در همان دوره تخت‌نشینی احمدشاه درانی پول و اجناسی که محمدتقی خان شیرازی و ناصرخان صوبه‌دار کابل و پیشاور به موجب طلب نادرشاه از قندهار به کلات (جایی در ایران امروز) می‌بردند، توسط کارگزاران احمدشاه درانی تاراج می‌شود و این پول‌ها را احمدشاه درانی میان خوانین درانی، لشکر قزلباشان و لشکر کابلیان تقسیم می‌کند. این نکته بسیار مهم است که اگر این امکانات به دست یکی از خوانین دیگر می‌افتاد، احتمال این‌که او با بذل و بخشش شاه شود، نیز وجود داشت.

عنوان بعدی کتاب تاریخ احمدشاهی درباره مخالفت اقوام و کسانی است که علیه احمدشاه درانی علم مخالفت بلند کردند. طوایف بریجی (بدیچی) و ترینی، دو طایفه از پشتون‌های درانی بودند که تا اکنون هم وجود دارند و به سرکرده‌گی کرم خان ترینی و مقصود خان بریجی اولین طوایفی‌اند که شاه شدن احمدشاه درانی را رد می‌کنند. از جمله کسان دیگری که تخت‌نشینی احمدشاه درانی را قبول نمی‌کند، نورمحمد خان علی‌زایی است. نورمحمد خان در زمان نادرشاه صاحب اختیار (شبیهِ والی) قندهار و رییس قوم درانی بود. این سردار قبیله‌ای نیز شاه شدن احمدشاه درانی را

سپرده شد و حالا دوباره وزیران خارجه افغانستان و ترکمنستان در مورد آن در هرات نشست برگزار می‌کنند، در حالی که بازهم تاریخ آغاز کار مشخص نېست.

در همین حال هارون چخانسوری، وزیر معادن و پترولیم کشور، در واکنش به انتقاده‌ها از آغاز نشدن کار پروژه خط انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند، می‌گوید که «تاپی» پروژه خیالی نېست و سرمایه‌گذاری بزرگی روی آن انجام شده است. او روز یک‌شنبه، شانزدهم جوزا، در جریان یک نشست خبری مشترک با محمدحنيف اتمر، وزیر خارجه کشور، گفت که آماده‌گی فنی لازم برای آغاز کار پروژه تاپي در خاک افغانستان روی دست گرفته شده و حدود سه ماه ديگر زمان دقيق آغاز کار عملي مشخص می‌شود. چخانسوری در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه ۸صبح مبنی بر این‌که شماری از باشندگان هرات تاپي را پروژه خیالی می‌دانند، گفت: «تاپي پروژه خیالی نېست. اگر خیالی می‌بود، بانک انکشاف آسیایي یک ميليارد دالر برایش تعهد نمی‌کرد». وی هم‌چنان افزود که ۵۳۰ میلیون دالر در مرکز استفاده گاز هرات سرمایه‌گذاری می‌شود، اما دليل تأخير در کار پروژه، آماده نشدن امکانات در خاک ترکمنستان است.

از هنگام تکیه زدن رييس جمهور غني بر کرسی ریاست جمهوری کشور، شمار زیادی از وعده‌های عملي نشده است. یکی از وعده‌های او تبدیل کردن افغانستان به صادرکننده برق بود که عملي نشد و برعکس برق وارداتی از کشورهای همسایه به کابل و برخی شهرهای ديگر کشور نیز دچار پرچوی شد. با این‌همه، هراتيان که از چند ماه به این‌سو منتظر آغاز کار عملي پروژه تاپي هستند، باز هم چاره‌ای ندارند جز این‌که منتظر بمانند و چشم به راه عملي شدن وعده رييس جمهور باشند؛ وعده‌ای که با توجه به وضعیت سياسي و اقتصادي کشور، عملي شدن آن کمی دور از تصور به نظر می‌رسد.

حاضر بودند». این گزارش بازهم تأکيد بر «همه رؤسای درانی» دارد که با احمدشاه درانی مخالفت کردند و تنها چند تن از سران الکوزیي، اچکزی و پوپلزی با او هم‌دست بودند. چنان که در گزارش‌ها دیده می‌شود، تشکیلات نظامی و اداری احمدشاه درانی از سران درانی، قزلباشان و کابلیان ساخته شده بود و در عین حال هيچ گزارشی از مخالفت غیردرانیان علیه احمدشاه درانی نیز وجود ندارد و از کسان غیردرانی که یا قزلباش‌اند و یا کابلی مثل «کشیک‌چی باشی، دیوان‌بیگی، شاه‌پسند خان، میرآخورباشی و محبت خان ضبط‌بیگی» در شمار هم‌دستان احمدشاه درانی نام برده می‌شود و کسانی ديگر نیز زیر نام «بنده‌گان وفاکیش و جان‌بازان صداقت و ارادت‌اندیش» یاد می‌شوند که افسران و صاحب‌منصبان غیردرانی او بودند، چه آن‌که درباره این سرداران که باید «فارسی‌وان»های غیرقزلباش و غیرکابلی بوده باشند، در سطرهای نخست چنین می‌گوید: «هم‌چنین سردکرده‌گان قزلباشیه و کابلی و غیره که اقتباس نور سرور از دولت حضور نموده، آثار فدویت و دولت‌خواهی در تقویت و استحکام بنیان سلطنت و پادشاهی از آن‌ها به ظهور می‌رسید».

قزلباشان نظامیانی از طایفه‌های متشکل از ترک و تاجیک بودند، اما قزلباشان لشکر احمدشاهی را طایفه‌های کرد منتسب به تاجیک شکل می‌دادند که هنوز هم در کابل حضور دارند. منظور از لشکر کابلی، مردم کابل قدیم و شمالی‌اند که شامل پروان، کاپیسا، پنجشیر و کابل کنونی می‌شود.

بالاخره طبق گزارش تاریخ احمدشاهی، لشکر احمدشاه درانی بر سایر طوایف درانی پیروز می‌شود و همه سران این طوایف مجبور می‌شوند که شاهی و حاکمیت او را بپذیرند.

نتیجه‌گیری‌ای که بر پایه گزارش‌های تاریخ احمدشاهی از شاه شدن احمدشاه درانی و تأسیس حکومت درانی استخراج می‌شود، این است که احمدشاه پیش از تاج‌گذاری شرایط را مناسب به این کار نمی‌دید. روند تاج‌گذاری احمدشاه توسط یک غیرپشتون انجام شد. از آوان تاج‌گذاری احمدشاه درانی، اکثر سران طایفه‌های مختلف درانی با او مخالفت کردند و او را شایسته این جایگاه ندانستند. اکثر موسسان سلطنت احمدشاه درانی سرداران غیردرانی «فارسی‌وان» بوده‌اند. تنها بخش کوچکی از شاخه زیرک درانیان که شامل برخی سران طایفه الکوزایی، اچکزایی و پوپلزایی می‌شد، از تاج‌گذاری احمدشاه درانی حمایت کردند. درباره شایسته‌گی احمدشاه درانی برای سلطنت در نزد سرداران «فارسی‌وان» اجماع وجود داشت، در حالی که اکثر سران طوایف درانی احمدشاه را شایسته این مقام نمی‌دانستند.

روایت سفر در جنگ

بهشت کودکی ما، در آغوش سبز بهار از دور نمایان است و ما را با مهر به خود می خواند. به محض رسیدن به مکان زیبای همیشه گی، در کرانه های رود آمو (مرز میان افغانستان و تاجیکستان) جا خوش کردیم. روز کم کم رو به تاریکی می رود و آبی آسمان دلش را به سیاهی مطلق می سپارد. هیچ ستاره ای در دل آسمان این جا جلوه آرای نمی کند و مهتاب در حریر شب خودش را پیچانده است.

شام سرد با هوای صاف و پاک، محوطه سبز و قشنگ، بوی گیاهان تازه، ملودی جیرجیرک ها، فضای راحت باغچه پدری و جمعی که روی صفا گرد هم آمده اند، با خنده های از ته دل تصویر قشنگی را در تابلوی خانواده خوش بخت گنجانیده اند.

این جا هم مثل همه ولایات همیشه در جنگ، برادران ناراضی سیاسیون، به اختراع ادیسون اهمیت نمی دهند. آنان دورتر از شهر پایه های مواصلاتی برق را تخریب کرده اند و هیچ برای شان مهم نیست اگر سال ها در تاریکی زنده گی کنند؛ چون آن ها سعی ترین اعتقادات را با سیاهی تمام در ذهن خود تلقین و تزریق کرده اند.

شب تاریک تر می شود. سعی می کنیم زودتر غذا صرف کنیم. قرار است دسترخوان پهن شود. مادر صدایم می زند. باید من غذا را روی دسترخوان بیاورم، شاید به این دلیل که کم تر خسته به نظر می رسم و یا هنوز از حال نرفته ام.

از جا بلند می شوم. چند قدم برداشته، ناگهان صدای شلیک گلوله از نزدیک ترین فاصله به گوش می رسد. دست پاچه می شوم و خود را داخل دهلیز پرت می کنم. صدا می زوم بیاید داخل خانه، شاید یکی زخم خورد و مُرد.

با سرعت دوباره بیرون می شوم. وحشت سرپای وجودم را فرا گرفته و قلبم تند تند می زند. صدا می زند که بیاید داخل خانه، صحن حویلی خطر دارد. همه به من می خندند، انگار هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده و یا من خیلی بزرگش می کنم، در حالی که برای آن ها شنیدن این صداها امری معمولی است.

صداهای شلیک کم نمی شود، اما دورتر می رود. گویی از کوچه ما گزیده دشمن گذشته است. دقایقی سکوت حکم فرما می شود و فرصت برای پهن کردن دسترخوان فراهم می آید. همه یک جا غذای شب را صرف می کنیم. ظروف را لب چاه می بریم برای شستن و بعد دور هم جمع می شویم و قصه های ناتمام ما شروع می شود.

چشمان مادر از شادی برق می زند و یکی یکی نگاهمان می کند. مادر، در جمع فرزندان رو به پدر می گوید: اگر زیر آوار این جنگ جان دهم، آرزوی دیگری باقی نمی ماند که حسرت آن را زیر خاک با خود ببرم؛ فرزندانم با من هستند و هیچ هراسی مرا نمی تواند ناتوان سازد، جز اندوه مرگ آنانی که عزیزان خود را ناچار به سوگ نشسته اند.

صدای بلند تلویزیون داخل اتاق با موسیقی پس زمینه خبر، توجهم را جلب می کند. خبرهای ساعت ده با زیر و بم گوینده همه را درجا میخ کوب می کند.

سرخط خبرها: در انفجار مهیبی در مکتب سیدالشهدا در غرب کابل، دست کم ۳۰ تن به شمول دانش آموزان و رهگذران کشته و ۵۲ تن دیگر زخمی شده اند. چیز دیگری نمی توانستم بشنوم و یا ببینم، جز صدای شیون خانواده های آسیب دیده گان حادثه و دیدن کتاب، کفش، کیف و لباس سوخته دانش آموزانی که هیچ تقصیری جز فرا گرفتن علم نداشتند.

چه اعتقاد و چه نوع ایدئولوژی می تواند با منطق کشتار دانش آموزان یک کشور سازگار باشد؟ چگونه دموکراسی دولت با این حجم بزرگ امکانات و سیستم کشف استخباراتی، نمی تواند جلو قتل عام شهروندان را بگیرد؟ این عاقلانه نیست که بخواهم دنبال توجه منطقی سیاسیون در قبال این جنایت باشم، وگرنه کارم به جنون می کشد.

به صفحه تلویزیون چشم دوختم و اشک مانند پردای ضخیم جلو دیدم را سد کرده است.



تکه پاره های قلبم را محکم در دست گرفته و با روح نا آرام به خواب می روم. بوی خون به مشام می رسد، سوخته گی گوشت موجود زنده روی جاده عمومی پخش شده و میان انسان های زخمی و مرده خود را گم کرده ام.

با چشمان پف کرده و سرخ، لباس های پاره و پاهای برهنه در جستجوی خانواده ام سرگردان هستم که با شلیک گلوله ای به شقیقه ام از خواب می پریم. به اطراف نگاه می کنم، همه خوب اند، زنده اند و خواب آرام دارند. نفسی عمیق می کشم، اما صدا های شلیک گلوله لحظه به لحظه نزدیک می شود.

صدای شلیک پراکنده خودش را محکم به گوشم می کوبد. صدای راکت است انگار. خود را دیکته می کنم. حال باید بیدار شده باشم و این بیداری باید واقعی به نظر رسد. چه کار کنم؟ از جایم بلند می شوم، پرده را می کشم و با چراغ لایزرمانند در فضا مواجه می شوم. گلوله ها مثل قطرات باران از جلو چشمم می گذرد و میان سیاهی شب پخش می شود. آن قدر ترس برم می دارد که نفس کشیده نمی توانم. پاره های سرخ آتشین آهن در اطراف، روی خانه ها، آوار می شود. این که چند نفر به اثر چره ها زخم برداشته یا کشته می شوند، هر روز بی حساب به نظر می رسد.

ساعتی بعد، هوا کم کم روشن می شود و خروس با صدای بلند همه را به ادامه زنده گی خوش آمد می گوید. آرام نمی گیرم، از اتاق می زنم بیرون، تلفن همراه را برمی دارم و با پس زمینه شلیک گلوله های سربی در هوا که مارش سرود ملی جنگ را به نمایش گذاشته است، ویدیو ثبت می کنم.

باغچه با رقص پروانه و مرمی، صحنه مرگ و زنده گی را به شکل مضحک آور آن به نمایش گذاشته است. دلم می گیرد از قرار گرفتن در این وضعیت که نه مرگ مرگ است و نه زنده گی زنده گی. آفتاب با درخشش تمام روی سیننه لاجوردی آسمان تکیه داده و هوای گرم را از وسعت قلبش ساطع می کند.

کسی در می زند. پدر رفته ببیند کیست؟ در باز می شود و پسری کوچک وارد حویلی می شود. با لبخندی قشنگ، به من سلام می دهد. بی رنگ نامش را می پرسم. می گوید خالدین هستم. متوجه می شوم قبلا حرف هایی در موردش شنیده بودم. او به عنوان کارآموز در کلینیک صحتی خانواده گی ما کار می کند، انگار انتخاب کرده که باید داکتر شود.

کارگر کوچک گاهی کرت های باغچه کلینیک را از وجود علف های هرز پاک می کند و این مصروفیت نوعی سرگرمی او به حساب می رود. داس به دست می آید. می پرسد نام تو چیست؟ می گویم سلسله. می خندد و می گوید: چه قدر نام سخت. لحظه ای مکث می کند و می پرسد امشب طرف شما هم جنگ و فیرفیرکان بود؟ بدون این که پاسخم را بشنود، می گوید: در کابل هم طالبان سر خانه های مردم بمباران می کنند؟ چرا در کابل هر روز انتحاری می شود و انسان ها مثل پشه می میرند؟ می گویم هرگاه دلیل کشتن انسان ها را فهمیدم، به تو هم خواهیم گفت. باز می خندد و به کار می پردازد.

اصطلاح «مرگ انسان مثل پشه» روی زبان کودکان جاری است و چگونه این ذهنیت ها ساده سازی می شود که یکی قبل از بازی کودکانه به کشته شدن فکر می کند؟

کودکی باهوش است، اما غمگین. در مورد کشته شدن شوهر خاله اش حرف می زند. طالبان شب هنگام موقع افطار بالای پوسه آن ها حمله ور می شوند و همه نظامیان بی دفاع که سلاح و مهمات نداشتند را می کشند. شوهر خاله اش که قوماندان نیروهای دفاعی و امنیتی بوده را زنده با غول و زنجیر به هاموی می بندند و همه اطراف را گشت می زنند، تا این که او را زجرکش کرده و به خانواده اش می سپارند.

جسد شوهر خاله شناخته نمی شود، جز نشان قوماندانی و نامش روی یونیفرم نظامی و بکس پولی که عکس دخترش را در آن نگهداشته است.

می گوید: بعد از کشته شدن شوهر خاله و پسر ماما، خاله و مادرم دیوانه شده اند. وقتی حرف می زنی، نگاه می کنند، اما نمی فهمند چه گفتی. خاله ام شب ها در خواب گریه می کند، راه می رود و نام شوهرش را صدا می زند. همه از این وضعیت او می ترسند.

بلند می شوم، می روم گوشه ای تا قصه های وحشت کم تر مرا دچار تب و هذیان سازد. هر روز که می گذرد، نقل قول های وحشتناک می شنوم و به خشونت طالبان نفرین می فرستم.

طالبان بی رحمانه خانه های مردم را به غارت می برند، مرد های شان را با جبر سلاح می دهند و علیه دولت تحریک می سازند. زن ها در هر منطقه تحت نفوذ آن ها باید سه وقت پخت و پز داشته باشند و میزبانی کنند. برای طالبان مهم نیست چه کسی فقیر و چه کسی پولدار است؛ آن ها یکسان از مردم باج می گیرند و سفره غم را در تک تک خانه ها پهن می کنند.

وحشت کارکردهای طالبان در هر قصه و روایتی شکل تازه به خود می گیرد که حتا شنیدن آن روان آدمی را دچار مشکل جدی می سازد، چه رسد به این که خود شاهد آن صحنه های غم انگیز و منزجرکننده باشی.

وضعیت زنان در این روایت ها خیلی شوکه کننده است. زن به هیچ عنوان نمی تواند بیرون از خانه قدم بگذارد. مکتب، کورس آموزشی و بازار رفتن قطعاً ممنوع است. از قرار این روایت ها، معلوم است که هیچ تغییری در ایدئولوژی طالبان نسبت به سال های حاکمیت تاریک شان نیامده است؛ برعکس بدتر از آن سال ها شکنجه روا می دارند. صلح با آنان ضیاع وقت است و مصروفیت بی معنا و بی نتیجه. نظر به وحشتی که آنان خلق کرده اند، می کنند، جز مبارزه نظامی هیچ پیشنهاد دیگری منطقی به نظر نمی رسد.

زنی برای زایمان به کلینیک مراجعه کرده که با مرگ دست و پنجه نرم می کند. بعد از مراقبت های اولیه و وضع حمل، به حال می آید و از وضعیت جاری طالبانی حرف می زند. می گوید روز اول سال نو با حجاب سیاه که سرپایم را پوشانده بود، حتا جلو دیدم را گرفته بود، می خواستم خانه پدرم بروم. خواهرم و برادر شوهرم با من بودند. حین رسیدن به خانه پدر، کسی با آواز بلند از پشت سر صدا زد و قید تفنگ را کشید. با شنیدن صدای خشن و پر از نفرت، ترس سرپای وجودم را

گرفت و پاهایم سست شد. آرام سرم را چرخاندم. صورت پر خاک و چشمان خون گرفته مردان خشن را دیدم.

خطاب به من: او زن بی حیا، تو مسلمان هستی؟ بدحجابی شما سیاستر باعث می شود ما را خدا در قعر آتش بسوزاند. شما اصلاح شدنی نیستین.

دست می اندازد به من و موهایم را از بیخ می کشد، آن قدر که دردم می آید و به ناچار کشیده می شوم. پایم می لغزد و می افتم. زود بلند می شوم، نمی دانم به کدام گناهی باید شکنجه می شوم. برادر شوهرم و خواهرم سروصدا راه می اندازند. برادر شوهرم را با میل تفنگ به سرش می کوبند. او از حال می رود. رو به خواهرم می گویند خدایت را شکر کن که تو را چیزی نگفتیم، برو گم شو، قواره مرداران ره نبینم. با سروصدا می پدرو بردارم بیرون می شوند. به آن ها عذر و زاری می کنم که جنگ نکنند. با دست پاچه گی به حویلی داخل می شوم و خود را در آغوش پدر رها کرده زار زار می گریم.

زن وقتی قصه می کرد، من با تمام وجود حس می کردم انگار من بودم که زیر دست و پای آنان له می شدم. طالبان با ترویج خشونت، وحشت را در دل همه شهروندان کاشته اند. حتا آنانی که روبه رو نشده اند، از آن ها هراس دارند.

این سفر و چشم دیدن ها با روایت های تلخ آن مرا مدام به یاد تاریخ افغانستان قبل از جهاد و طالب می اندازد، یاد عکس های شکوهمند و جمعی زنان و مردان آن زمان. به سال هایی می اندیشم که زنان با پوشش آزاد و آرامش خاطر در دانشگاه کابل، دانشگاه ننگرهار، دانشگاه قندهار و... دانشجو بودند و حضور مردان در کنار آن ها با لبخند صمیمی باعث مزاحمت خاطر هیچ کس نمی شد. مساله محرم و نامحرم مطرح بحث نبود و هر کس روی شعور علمی خود سرمایه گذاری می کرد.

به جلد قصه های مادرم می روم تا ته؛ قصه های پیروزی و آبادانی وطن ما در روزگار آن ها. می اندیشم چه قدر خوب بود که دانشجویان خارجی از سهم بورس های افغانستان در پایتخت و ولایات مستفید می شدند. افغانستان آن زمان کدر علمی معتبر بین المللی داشت که بدون سایه سیاه جنگ هر سال دانشجویان زیاد را به جامعه انسانی تقدیم می کرد. به یاد زمانی که مادر با لبخند واقعی کنار جمع بزرگی از انسان های نیکو در دانشگاه ننگرهار لحظات شان را در تصویری ماندگار ساخته اند و پدر در اوج جوانی با سر افراشته و خاطر آرام روی شانه هم صنف جاپانی دست گذاشته است، انگار می خواهد اطمینان خاطر برای ادامه تحصیلش بدهد.

ما ملت عجیبی هستیم، عوض این که به روزهای آینده خوش بین باشیم و برنامه بریزیم، حسرت روزها رفته را داریم و در آرزوی تکرار تاریخ لحظه شماری می کنیم. در برگشت از کندز، متوجه می شوم که طالبان از فرصت آتش بس سه روزه استفاده کرده و راه های مواصلاتی را تخریب، پل ها را نابود و شهر را غرق خون کرده اند. دوباره چهره وحشتناک طالبان را در اولین مسیر سفر می بینم. وسط چهارراه پرچم سفیدشان را نصب کرده و با راکت، بی کا و مسلسل سرک عمومی را بند انداخته اند. کمی جلوتر ایست بازرسی ساخته و موترها را بازرسی می کنند. موتر ما که نزدیک می شود، یک طالب از راننده سوالات عجیب و غریب می پرسد و به عقب موتر نگاه گذرا می اندازد. وقتی می بیند ما هستیم، سر جنبانده و اجازه می دهد به راه ادامه دهیم.

روزهای بودن در کندز با وضعیت موجود، طاقت فرسا و جانگناه بود؛ جز لحظاتی که با خیال خوش جمع خانواده گی را به صمیمیت می خواندیم و برای آمدن روزهای خوب به هم دیگر تسلی خاطر می دادیم. روایت سفر در جنگ با ورد به دروازه کابل و شنیدن این خبر خوش که نیروهای شجاع دفاعی و امنیتی همان چهارراه را با مهمات و طالبان وحشی چرکین از بین برده اند، به پایان رسید. یادداشت نویسنده: این روایت از تاریخ ۵ جوزای سال جاری است.

سال پانزدهم
شماره ۱۷۶
دوشنبه
۱۷ جوزای ۱۴۰۰
۷ جون ۲۰۲۱
قیمت: ۲۰ افغانی

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

۸ صبح

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

دبیر بخش ویدیو: محمد نصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحد حسینی، محمد حسین نیک خواه، خلیل رسولی، شکبیا سعیدی، الیاس طاهری، احمد شاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شایق قاسمی، بهروز خاوری
ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرای: رضا مرادی
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۸۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af
صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سر دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش ها: حسین بهش
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه ای
دبیر رسانه های اجتماعی: نور علی فرحت

پدافند هوایی امریکا دو پهپاد را بر فراز پایگاه عین‌الاسد منهدم کرد

فرانسه گفته بودند که گروه‌های وابسته به «کتابت حزب‌الله» یا «عصائب الحق» را عامل چنین حملاتی می‌دانند. از آغاز سال ۲۰۲۱ تاکنون، تأسیسات و پایگاه‌های امریکایی‌ها در عراق هدف بیش از ۴۰ حمله بوده‌اند که دست‌کم ۱۴ مورد آن‌ها با شلیک موشک بوده است.



تاکنون بیش‌تر حملات به پایگاه‌های امریکا در عراق با موشک انجام شده و حمله با پهپاد به ندرت صورت گرفته است. اواسط ماه اپریل نیز یک هواپیمای بدون سرنشین پر از مواد منفجره، قسمت نظامی فرودگاه اربیل در اقلیم کردستان را هدف گرفت که تلفاتی نداشت. پایگاه نظامی عین‌الاسد در اواخر ماه مارچ نیز هدف حمله موشکی قرار گرفت. در جریان این حملات یک پیمانکار غیرنظامی سکنه کرد و جان باخت. خبرگزاری فرانسه آن زمان نوشت که موشک‌ها ساخت ایران و از نوع «آرش» بوده‌اند. ایران اما دست داشتن در این حمله را اکیدا تکذیب کرد.

۲۵۰۰ امریکایی هم‌چنان در عراق مستقرند؛ اما واشنگتن و بغداد بر سر خروج نیروها و ائتلاف ضد داعش توافق کرده و در مرحله مذاکرات فنی این روند قرار دارند. هنوز زمان خاصی برای خروج تعیین نشده است.

می‌گیرد. عین‌الاسد در هشتم ماه می نیز هدف حمله هواپیمای بدون سرنشین قرار گرفت که تلفاتی نداشت. خبرگزاری رویترز از قول دو منبع عراقی نوشت که روز شنبه، پنج‌جون نیز یک موشک به فرودگاه بین‌المللی بغداد شلیک شده که خسارات و آسیبی بر جای نگذاشته است.

مقامات امنیتی عراق گفته‌اند که نیروهای ویژه این کشور در مناطق روستایی غرب بغداد، یک موشک‌انداز با تایمر پیدا کرده‌اند.

هنوز هیچ گروهی مسوولیت حمله روز شنبه را برعهده نگرفته است؛ اما امریکا و محافل امنیتی عراق، گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی را در این عملیات دخیل می‌دانند. مقامات امنیتی عراقی و امریکایی پیش‌تر به خبرگزاری

ارتش عراق می‌گوید که پدافند هوایی امریکا در نخستین ساعات بامداد یک‌شنبه، دو پهپاد را بر فراز پایگاه نظامی عین‌الاسد ره‌گیری و سرنگون کرده است. این پایگاه چهار هفته قبل هم هدف حمله هواپیمای بدون سرنشین قرار گرفته بود.

به گزارش دویچه‌وله فارسی، پدافند هوایی امریکا حمله دو هواپیمای بدون سرنشین به پایگاه نظامی عین‌الاسد را خنثا کرده است. ارتش عراق با اعلام این خبر در بیانیه‌ای گفت که ره‌گیری و انهدام پهپادها ۳۰ دقیقه پس از نیمه‌شب یک‌شنبه، ششم جون صورت گرفته است.

این چندمین مرتبه در ماه‌های گذشته است که محل استقرار نیروهای نظامی امریکایی در عراق مورد حمله قرار

پولیس اسرائیل یکی از چهره‌های اصلی اعتراض به اخراج فلسطینی‌ها را دست‌گیر کرد

سراسر جهان برسانند. پدر منا الکرد به خبرگزاری فرانسه گفت که دست‌گیری دخترش بخشی از «عملیات ترساندن والدین است، چون صدایی که از این محله (شیخ جراح) شنیده شد، به لطف جوانانی بود که اعتراض کردند».

او گفت که پسرش محمد برای تدریس در رام‌الله است؛ اما برای همکاری با پولیس برمی‌گردد.

براساس قوانین اسرائیل اگر یهودیان بتوانند ثابت کنند که خانواده‌های آن‌ها قبل از جنگ ۱۹۴۸ که به تشکیل اسرائیل منجر شد، در بیت‌المقدس شرقی زنده‌گی می‌کردند، می‌توانند درخواست «بازگرداندن» آن خانه را بدهند، حتا اگر خانواده‌های فلسطینی دهه‌ها در آن زنده‌گی کرده باشند.

مأموران پولیس اسرائیل یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های اعتراضی به اخراج فلسطینی‌ها از خانه‌هایشان در بیت‌المقدس شرقی را دست‌گیر کرد.

منا (مَنی) الکرد ۲۳ ساله صبح روز یک‌شنبه، ۶ جون در خانه پدرش دست‌گیر شد. به گفته پدرش، حکم احضار محمد، برادر دوقلوی منا هم صادر شده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، منا الکرد، فعال مدنی فلسطینی است که برای خبررسانی درباره اخراج خانواده‌های فلسطینی از محله شیخ جراح بیت‌المقدس فعالیت می‌کند.

ویدیویی که از دست‌گیری او منتشر شده، نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی به خانه محل سکونت او در شیخ جراح یورش می‌برند و او را با دست‌بند با خود می‌برند.

حکم تخلیه منازل فلسطینی‌ها در شیخ جراح با اعتراض‌هایی همراه شد که در کنار مسائل دیگر به تنش‌های خشونت‌بار و در نهایت رویارویی نظامی اسرائیل با حماس و جهاد اسلامی در نوار غزه منجر شد.

منا و محمد الکرد که حکم تخلیه خانه‌شان صادر شده بود با جذب صدها هزار مخاطب در توئیتر و اینستاگرام تلاش کردند صدای اعتراض خود را به



نسل کشی در بوسنی؛

دیوان لاهه حکم نهایی «قصاب بالکان» را صادر می‌کند



بوسنیایی‌ها از مناطق کلیدی یوگسلاوی پیشین با هدف ایجاد «صربستان بزرگ» گناه‌کار شناختند.

دادستان‌های پرونده اعلام داشتند که راتکو ملادیچ به عنوان بخشی از کار پاکسازی قومی برای بیرون راندن مسلمانان، «شخصاً» بر کشتار منطقه سربرنیتسا نظارت داشته است.

در برخی فیلم‌های مربوط به دوران قتل عام، راتکو ملادیچ دیده می‌شود که در میان کودکانی که به همراه مادران‌شان باید با اتوبوس از سربرنیتسا خارج می‌شدند، شکلات پخش می‌کند، آن‌هم دقیقاً در زمانی که مردان و پسران جوان شهر به دستور او گروه گروه به جنگل منتقل و اعدام می‌شدند.

جنگ بوسنی که طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی در جریان بود، حدود ۱۰۰ هزار کشته و ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار آواره برجای گذاشت.

لاشه حاضر شود و مادران بسیاری از مردان و پسرانی که جمع‌شان به ۸ هزار نفر می‌رسید و در جریان فرماندهی ملادیچ قتل عام شده بودند، نیز در این روز مقابل دادگاه دست به تجمع خواهند زد.

اگرچه به دلیل شیوع ویروس کرونا حضور خبرنگاران در صحن دادگاه لاهه ممنوع است؛ اما حکم نهایی در ساعت ۱۳ به وقت گرینویچ به صورت آنلاین اعلام خواهد شد.

راتکو ملادیچ که تا پیش از دست‌گیری در سال ۲۰۱۱ میلادی، برای مدت یک دهه «فراری» بود، در نهایت به اتهام نسل‌کشی در سربرنیتسا و هم‌چنین ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در طول جنگ بوسنی محاکمه شد و قضات دادگاه او را به دلیل سازمان‌دهی کمپین «پاکسازی قومی» برای بیرون راندن مسلمانان و

راتکو ملادیچ، فرمانده نظامی صرب‌های بوسنی در جریان کشتار سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی، سه‌شنبه آینده رای نهایی دیوان کیفری بین‌المللی مستقر در لاهه هالند را در قبال درخواست او برای تجدیدنظر در حکم اولیه خواهد شنید.

این دادگاه پیش از این در سال ۲۰۱۷ میلادی جرم «نسل‌کشی» را علیه راتکو ملادیچ به دلیل قتل عام مسلمانان سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ میلادی تأیید و او را به حبس ابد محکوم کرده بود.

به گزارش یورونیوز، حکم روز سه‌شنبه تصمیم نهایی خواهد بود که دادگاه علیه مردی که به «قصاب بالکان» مشهور است، صادر خواهد کرد.

جنگ بوسنی بدترین و خونین‌ترین جنگ اروپا از زمان پایان جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود. انتظار می‌رود که راتکو ملادیچ که اکنون ۷۸ سال دارد، روز سه‌شنبه در دادگاه



د اداری اصلاحات و ملکی خدمت‌نو خپلواک کمیسون
کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی
Independent Administrative Reform and Civil Service Commission

ارتقای مدیران زن

از سطح متوسط به سطح رهبری

فرصتی برای پیشرفت، یادگیری و توانمندسازی کلرکنان زن

میعاد ثبت درخواست: ۱۵ تا ۲۷ جوزا

برنامه یک‌ساله ارتقای مدیران زن از سطح متوسط به سطح رهبری، قابلیت‌های رهبری، مدیریت برنامه‌ها و تصمیم‌گیری زنان را بهبود می‌بخشد و آنان را برای به عهده گرفتن نقش‌های رهبری در ادارات‌شان آماده می‌سازد. برای معلومات بیشتر در مورد برنامه به وب‌سایت کمیسیون مراجعه کنید: www.iarccs.gov.af و یا به این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۹۵۲۱۲۴۶۶ / ۰۲۰۲۵۶۱۱۵۳

شرایط اشتراک:

- * متقاضیان دارای درجه تحصیلی لیسانس باشند
- * زنان کلرکن پست ۳ باشند
- * زنان کلرکن پست ۴ که حداقل یک سال تجربه کاری داشته باشند
- * در ادارات محلی‌ای که زنان کلرکن سست‌های ۳ و ۴ در آن‌ها حضور ندارند، زنان فارغ‌شده از برنامه‌های کارآموزی نبر می‌توانند ثبت‌نام کنند
- * به کلرکنانی که محل وظیفه‌شان ولایات است ترجیح داده می‌شود
- * متقاضیان واجد شرایط پیش از اشتراک در برنامه باید امتحان ورودی را موفقانه سپری کنند

اعتیازات برای کسانی که برنامه را موفقانه سپری می‌کنند:

- * در سال قدم فوق‌العاده
- * واجد شرایط شدن برای رقابت در پست‌های عالی‌رتبه
- * شامل شدن در پلان ارتقا به پست‌های عالی‌رتبه
- * فراهم‌آوری تسهیلات قایونی در پروسه استخدام آنگه اشتراک کنندگان که تصدیق‌نامه برنامه را با نام و آدرس می‌آورند
- * پرداخت مصارف رفت و برگشت اشتراک کنندگان برنامه از جانب اداره مربوطه
- * فراهم‌سازی تمامی تسهیلات و امکانات رهبری در کابل از جانب انستیتوت خدمات ملکی

طریقه درخواست:

برای ثبت درخواست به لینک‌های زیر بروید:

<https://5svufmoe.paperform.co/> | <https://seefork6.paperform.co/>

قبل از ارسال فرم آنلاین کاپی خلص سوانح جدید و کاپی اسناد تحصیلی‌تان را ضمیمه کنید
پرستش‌نامه پایینی فرم آنلاین را تکمیل کنید